که پیامبر بزرگ اسلام (ص) در آخرین جمعه شعبان در باره اش فرمود: ایها الناس قدا قبل الیکم شهرعظیم، اوله رحمة واوسطه مغفرة وآخره عتق من النار"

ای خیل عظیم انسانها، هما نا درآستانه ماهی بزرگی قرار گرفته اید، ماهی که اول اورحمت و میانه اش مغفرة وآخرش آزادی از آتش سوزان جهنم است. دراین ماه ابواب رحمت الهی به روی بندگان روزه دار باز است. وخداوند قرآن عظیم الشان را دراین ماه مبارک نازل فرمود وشب قدررا نیز در همین ماه قرارداد. ودروصف رمضان همین بس که خداوند بعلاوه اشارات که درآیات قرآن به رمضان دارد. درحدیث شریف قدسی می فرماید: الصوم لی وانا اجزی به. روزه از من است ومن به روزه دار ان پاداش می دهم ویا به تعبیردیگرروزه از من است ومن خودم جزای آن خواهم بود

درماه رمضان دوحادثه بسیار مهم درتاریخ اسلام صورت گرفته که به مناسبت صحبت از رمضان اشاره کوتاهی به آنها می شود.

الف ـ جنگ بدرکه اولین جنگ مسلمانان با اشرافیت جاهلی عرب بود، دراین جنگ مسلمانان برای اولین بار در دنیا ثابت کردندکه ایمان برآهن و خون بر شمشیرپیروزاست که دررمضان سال دوم هجری رخ داددراین جنگ که کفار قریش به رهبری ابوسفیان وابو ـ جهل از لحاظ کمی وکیفی بر سپاه اسلام برتری داشتندوآنها خودرا درچند قدمی پیروزی می دیدند و حتی اسرای خیالی را بین شان تقسیم ونحوهٔ برخوردبا آنها را ازقبل تعیین نموده بودندوحتی یکی از سران کفر گفته بود که برای جنگیدن با این سپاه (به ظاهر) حقیر کافیست که غلامان خود را بفرستیم تا دست وپای آنان را بسته وپیش ما بیاورند.

ازآنجا که روحیه ی تکبر و تفرعن وخودبزرگ بینی ازخصایص ذاتی استکبار وامپریالیسم است وبه دوره وزمانه خاص محدودنمیشود اگر استکبار جاهلی عرب آن روز چنین پندار وباور داشته بودند امروز مگر مستکبران دنیای کنونی ما وابوجهل متجاوزشرق و ابوسفیان منافق ومکارغرب همان روحیه ی ابوجهل وابوسفیان عرب جاهلی آن روز را ندارند؟ یا میشود فرق میان شان قایل شد؟!

روسهای متجاوزمگردرابتدای تجاوزبه کشوراسلامی ما خودرا در چندقدمی پیروزنمی دیدند؟ ومگر قضیه را به مراتب آسان تر از اشغال چکوسلواکی خیال نکرده

بودند؟!

چون تقدیرومشیت خداوند بر این جاری است که درطول تاریخ مستکبران را بدست مستضعفان نابود سازد همانطوریکه در جنگ بدرسپاه بظاهرمسلح به آخرین جنگ افزار آن روز کفررا بدست سپاه بی سلاح وتهیدست اسلام شکست داد امروزهم سنت خدا براین است که ابرجنایتکار شرق راکه مسلح به پیشرفته‌ترین سلحه است ، بدست مردم (بظاهرفقیر وبی‌سلاح وپابرهنه وشکم گرسنه‌ولی باایمان وبااستقامت چون کوه) مسلمانها شکست خواهدداد همانطوریکه همپالکی استعمارگرش یعنی آمریکای جهانخوار را درلبنان بدست جوانان سلحشور لبنانی به هزیمت مفتضحانه‌وا داشت . ذلک تقدیر العزیزالعلیم . ولن تجدلسنة‌الله تبدیلا .

ب ـ شهادت مولای متقیان امیر مومنان حضرت علی علیه‌السلام در سال ۴۱ هجری دربیست ویکم‌ماه رمضان واقع گردید .

دروصف فضایل ومناقب آنجناب وخدمات شایانی که‌به‌اسلام‌انجام داده‌وریشه‌یابی انگیزه‌ی شهادت آنحضرت بامرکبی باندازه‌ی کل آب های دنیا وبراوراقی به اندازه‌تمام‌عمراین کره‌ی خاکی بایدنشست ونوشت وچه‌بهترکه‌از زبان مبارک خودآنحضرت دروصفش بگوئیم‌اودرنهج البلاغه‌اش ازخود چنین تعریف میکند :

ولایرقی الی الطیر"

یعنی طایربلندپرواز ازخیال‌انسان ها را قدرت پروازبه قله‌ی رفیع و ستیغ شخصیت منیع من،نخواهدبود.

آنچه که حال وحوصله‌ی ماومجله ایجاب می کندفقط عرض ادبی است به‌مقام والای آن امام معصوم که‌به‌جرات میتوان گفت وباید هر شیعه‌را اعتقادبرین باشدکه انه کان علیه‌السلام‌افضل الناس بعد النبی صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم‌حتی الانبیاء

امروزدنیا بعدازگذشت هزاروچندصدسال ازشهادت آنحضرت تازه به‌اهمیت شخصیت والای آن حضرت وگنجینه‌ی گرانبهای نهج‌البلاغه پی برده‌اندکه‌حتی دردنیای غیراسلام چه‌بی‌شماردانشمندانی راسراغ داریم که‌دربرابرشخصیت علمی ، سیاسی ،دینی قضایی و..... امام علی علیه‌السلام‌سرتعظیم‌وتکریم و تسلیم فروآورده اند .

ولی افسوس‌که‌ارتجاع جاهلی عرب ونفوذمرض‌سرطان نفاق به سردمداری معاویه‌فرزندتبا هکار ابوسفیان وحماقت ولجاجت مقدس مآبان خوارج‌اجازه‌اسلامی‌رانگذاشت

تا از فیوضات وجود آن امام همام بهره‌ی کافی ووافی بگیرند.

تا آنکه سرانجام آنحضرت به‌دست شقی ترین انسان روی زمین ،عبدالرحمن بن ملجم مرادی خارجی ناجوانمردانه‌دردامن محراب به شهادت رسیدودرمیان تمام انبیاء واولیاء این منصب ومقام را کسب نمودکه‌دردامن محراب بدنیا آمد ودردامن محراب درحال ادای فریضه الهی بدیدارمعبودشتافت.

درکعبه شدپدیدوبه محراب شد شهید
نازم به‌حسن مطلع وحسن ختام تو

۳- پانزدهم خرداد ماه:

سرآغاز انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام امت خمینی کبیر یعنی پانزدهم خرداد ماه نیز یکی از حوادث سرنوشت سازدر ایران اسلامی نه تنها بلکه درجهان اسلام است. دراین روزتاریخی درسال ۱۳۴۲ بودکه مردم ایران تحت زعامت امام، انقلاب شکوهمندوافتخارآفرین شان را علیه رژیم مزدورو آمریکایی شاه جلاد واربابِ خارجی‌اش امپریالیسم آمریکا آغاز نمودند. آمریکا که ایران اسلامی را جزیره ثبات نامیده بودوروی همین پندار رژیم شاه را به‌حیث حافظ منافع استعماری اش به‌عنوان ژاندارم قدرتمند منطقه تادندان مسلح نموده وکوچکترین اقدام در جهت تضعیف وبراندازی رژیم را باشدید ترین عکس العملی سرکوب می کرد امام با همان دیدژرف وآگاهی به عمق اندیشه‌های استعماری آمریکا درپانزدهم خرداد ماه سال ۱۳۴۲ به اساس ادای تکلیف الهی شان در مقام رهبری مردم طی سخنرانی های آتشین درقم، انقلاب مقدس اسلامی را ازین شهرعلم وخون وقیام آغاز فرمودندکه درسرتاسرکشور با پشت بانی وسیع وهمه‌جانبه عموم طبقات مردم مسلمان ایران واقع گردیدو به‌عنوان تاییداقدام مقام رهبری هزاران شهیدرا درسرتاسرکشور جهت حاکمیت اسلام تقدیم داشتند، رژیم وحشی شاه، گرچه درظاهرامرتوانست قیام مردم را مهارکرده ومقام معظم رهبری آن را دستگیروتبعیدنماید ولی چون اراده‌ی خداوندبرحاکمیت اسلام دراین سرزمین بودباهوشیاری امام واتحاد مردم این انقلاب عظیم واسلامی که درپانزده خرداد ماه سال ۴۲ بنیانگذاری گردیده بوددر ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ شاهد پیروزی را در آغوش گرفت وبایدگفت که به حق پانزدهم خرداد ماه از ایام الله است وامیدواریم تمام مسلمین دنیا با الگوقراردادن این انقلاب بساط کفرشرقی وغربی را درکشورهای شان برای همیشه برچینند.

۴- روزقدس :

بعدازپیروزی انقلاب شکوهمند ایران اسلامی از سوی امام آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان به عنوان روزقدس نامگذاری گردید. ودرین روزاز تمام مسلمانان دنیا خواسته شدکه با به نمایش گذاشتن قدرت واقعی جیش محمد (ص) با برپایی تظاهرات وراهپیمایی درکشورهای‌شان حمایت کامل وهمه جانبه‌شان را از آرمان فلسطین ابراز نمایند.

اینکه تنها مانع اتحاد جهان اسلام وآزادی قدس شریف وجود حکومت های فاسدوخودفروخته در کشورهای مسلمان نشین است جای بحث درآن نیست. با اعلام این روز بنام روزقدس واستقبال مسلمانان دنیا از آن، رژیم‌های مزدور حاکم برجهان اسلام واستکبار جهانی (این حامیان پروپا قرص صهیونیسم) ورژیم صهیونیستی اشغالگر سخت به وحشت افتادندکه شیطنت های آنها را درین روز تاریخی جهت تضعیف با زتاب گسترده وجهانی آن درکلیه کشورهای اسلامی که درهرسال برنگ وشیوه‌ی جدیدی درمی آید درین چندسال شاهدبودیم ولی ملت های مسلمان علیرغم تمامی موانع ومشکلات ایجادشده از سوی استکبار جهانی هرسال این روزبزرگ را گرامی میدارندوتحت شدیدترین قوانین حکومت نظامی وپلیسی باز هم درین روز تاریخی شعار نبخش الله اکبروخیبرخیبریا یهود، جیش محمدسوف یعوددرسرتاسر کشورهای اسلامی حتی درداخل فلسطین اشغال شده وبیخ گوش صهیونیست های غاصب به گوش می رسدکه انشاءالله میرود این حرکت عظیم اسلامی باعث آزادی قدس شریف گردد ونهایتا منجربه سقوط تمامی دولتهای مزدورحاکم برملت های اسلامی گرددوما شاهد تحقق اتحاد جماهیرمتحده اسلامی واین وعده قرآنی باشیم. و لقد کتبنا فی الزبورمن بعدالذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون.

بقیه از صفحه (۴)

ممکن است موقعیت ببرک دررقابت های خلق وپرچم بحدی تنزل یافته بودکه ابقای آن ازین بیشترمایه ضرررژیم روسی میشده وممکن استکه عوامل دیگری بوده باشد. ولی بهر حال این موضوع درآینده هم تکرار خواهدشد، برای طرفداران انقلاب اسلامی تفاوتی نداردو از اهمیت خاصی برخوردارنیست. برای ما ببرک وخرسک فرقی ندارد، اصل کار خودروسها وجنگ با آنان است.

د- وظیفه ما

خروج نیروهای روسی ازافغانستان اگرعلنی صورت بگیرد، برای مجاهدین مایکنوع عقب نشینی از

بقیه در صفحه (۸۰)

عوامل وموانع تکامل مبارزه

استبداد یا خودکامگی ۷

آنگاه‌که ساختمان اجتماع بشری ،پی ریزی گردید وانسانها درکنار همدیگر، زندگی اجتماعی ومشترک خودراآغازیدند، ظلم، تجاوز ، تبعیض ،وصدها پدیده ضد بشری وپلیددیگر ،نیزهمزمان ،با شکل گیری آن پدیدآمد ،وبدینسان سیمای زندگی اکثریت مردم‌وبنده‌گان بی گناه‌خدا ،سیاه‌ومکدر گشت بایک نگرش کوتاه‌به‌صفحات‌تاریخ زندگی پیشینان و اجداد مان‌به واقعیت دردناک وانکار ناپذیری تاریخی مزبورپی می بریم و به روشنی درک خواهیم‌نمودکه‌اکثریت عظیم انسان هادرتسلسل زمان ها ودرنظام های‌گوناگون تاریخ از سوی اقلیت زورمندوحاکم برمردم به‌اشکال مختلف به‌استضعاف وبی‌چاره‌گی کشیده‌شده‌ومورد ستم و تجاوز قرار گرفته‌است ،استبداد استعمار، استعباد ،استثمار، و استحمار ،چهره های گوناگون استضعاف است‌که ،هماره‌بشریت را رنج می داده است . واکنون در عصری که باصطلاح ،عصر ترقی ، تمدن وطلایی نام داردوبشریت از نظر تکنولوژی ، صنعت ، وتکنیک به‌گونه‌ی چشمگیری پیشرفت نموده است ، بازهم‌شاهد انواع ستم‌ها ، ظلم ها ، ونابرابری ها هستیم ، ستم ملی ، تبعیض نژادی،امتیازات طبقاتی ، فاصله‌های‌عمیق اجتماع و.... به‌مراتب وحشتناک تر از جوامع عقب مانده‌بدوی،توده های مستضعف وستمدیده‌گان تاریخ را امروز زجر می دهد، کشتار های وحشیانه‌وضدبشری وقتل عام های بیرحمانه‌که‌امروزتوسط رژیم های نژادپرست خون آشام ،چون‌افریقای جنوبی وصهیونیست های اشغالگر و.... صورت می گیرد، در تاریخ بی سابقه است ، تجاوزات بی ـ شرمانه‌امپریالیسم‌غرب ،به‌بهانه پاسداری از حقوق بشر ومتمدن ساختن انسان های دور از تمدن وسوسیال ملیتاریسم‌شرق به نام

انترناسیونالیزم پرولتری، علیه استقلال فرهنگی وحاکمیت ملی و... جهان مستضعف بویژه جهان اسلام (که به لحاظ موقعیت حساس واستراتژیک خود بیش از دیگرکشورها مورد یورش توسعه طلبانه ی امپریالیسم جهانی قرارگرفته است) عمقفاجعه وجنایت جهان امروزین را میرساند که توسط باصطلاح این مشعل داران تمدن برنسل حاضربشریت تحمیل شده ومی شود، چرا انسان ها در گذشته وامروز نتوانسته اندبرادروار، در کنار همدیگر زندگی نمایند، وبدورازتعدی وتجاوز به حقوق، اموال وحیثیت هم، همزیستی مسالمت آمیزداشته باشند؟ پاسخ پرسش فوق را می توان درعمق سرشت وذات انسان ها جستجونموده وبازیافت.

توضیح اینکه: ازآنجائیکه انسان موجود دوبعدی وترکیب یافته از دوپدیده متضادین است، یعنی هم روح خدایی داردوهم خصلت وخوی شیطانی. برتری جوئی، انحصارطلبی خودخواهی، سلطه طلبی جزء غریزه انسان ها است، که بسادگی نمیشود با این خصلت ها مبارزه نمود، بلکه نیازمندگذراندن مراحل سخت و آزمون دشوار است تا انسان بتواند تمایلات خودخواهانه وغرایزطغیانگر حیوانی خودرا مهارنموده وآن گاه درمسیرتکامل خویش آزادانه گام بردارد. زورمندان حاکم بر تاریخ، براشرفاه، ثروت، و امکانات وسیع مادی که داشته اند همواره بسوی انحطاط وپستی گرائیده اند.

استعدادهای خدایی، و بعد انسانی وجودخویش را نتوانسته اندرشد و تکامل دهند، ودر جهت هرچه بیشتراستثمارکردن وبهره گرفتن ازانسان های دیگر، گام برداشته اندو بدینسان چهره ی انسانی شان را مسخ نموده. و تاریخ بشریت را خونین وغم آجین ساخته اند، وپیکره اجتماع بشری را قطعه قطعه نموده اند چنانچه خواندیم استبداد، یکی ازچهره ها واشکال مختلف استضعاف است که: ازسوی صاحبان زوروزر، علیه مردم درطول تاریخ بکارگرفته می شده است و گروهی بی شماری ازانسان های تیره بخت را قربانی خود گرفته است (هنوز این تراژدی ادامه دارد)، استبدادهم چون استضعاف دارای مظاهر ونمودهای گوناگون است که گاهی به شکل استبداد دینی، وگاهی سیاسی و... در جامعه ظهور می یابدولی مادرین جا درپی توضیح همه جانبه و طرح گسترده استبدادنیستیم، ونمی خواهیم انواع گوناگون استبداد

را به تحقیق وبحث نشینیم، بلکه هدف ما بیشترا زطرح اینگونه مسایل توجه دادن بیش از پیش پیشگامان وسکانداران کشتی جنبش شکوهمند اسلامی مان به چنین پدیده های ضد تکاملی وآشنا ساختن بیشتر توده های ما با اینگونه پدیده ها میباشد تا همه با هم بسوی انسان شدن ونفی خصلت های ضدتوحیدی ازخود گام نهیم .

استبداد یا ریشه وزیربنای تمام فسادها :

استبداد که به معنی خودمحوری ونادیده گرفتن نظریات، آراء و عقاید دیگران است، منشاء وزیربنای تمامی فسادهای اجتماعی است . همه ی بدبختی ها، نابسامانی ها وفجایع که دامنگیرجامعه می شود، به نحوی با استبداد در ارتباط می باشد، زیرا استبداد، انحصارطلبی را درپی داردوانحصار طلبی بسیاری از مفاسددیگرو.... به گفته کواکبی : "اگر استبداد شخصی می بودومی خواست حسب ونسب خویش بیان سازد، هرآیینه میگفت نام من شراست و برادرم خیانت کاری، خواهرم درویشی، عمویم تنگدستی، خالویم زبونی، فرزندم بینوایی، دخترم بیکاری، وطنم خرابی و قبیله ام نادانی است ."

درجملات فوق، چهره ی استبداد بخوبی ترسیم شده است واین واقعیت بخوبی نشان داده شده است که ریشه تمامی فسادها، استبداد است یعنی هرگاه درجامعه، استبداد حاکم باشد، تبهکاری، فساد، ویرانگری زبونی، ذلت وپستی نیزهمراه آن وجود دارد، وازلازمه ی لاینفک استبداد است . زیراحاکمان مستبد وخودکامه، به دلیل خودکامگی و تجاوزپیشه گی خودهیچ پایگاه در میان مردم ندارندوبازوربرمردم حکومت می نمایند .پیامدهای چنین حکومت های نیزبجزویرانگری، فقر وتباهی چیزدیگرنمی تواندباشد .

آیا جامعه ی سراغ دارید، که مستبد، حاکم وزمامدارباشد، ولی ستم، زندان، شکنجه وجودنداشته باشد؟ هرگز .

درهرجامعه ی که آزادی و دموکراسی واقعی برقرارباشد، ونشان ازظلم، تجاوز، اختناق، فشار، زورگویی، تحمیل ایدئولوژی، و تفتیش عقاید وجودنداشته باشد، وانسان ها بتوانندآزادانه وبدون هراس زندگی نمایند، آزاد سخن بگویند، وآزادانه تشکیل اجتماع دهند، آن جامعه نیک بخت خواهد بود، وهمدرچنین جوامع است که استعدادهای خدایی انسان شکوفا وبارور می شود .

اما درجوامع که زورگویان و

فسادانگیزان ،حاکمیت دارند و انسان ها درتحت سخت ترین شرایط به زندگی سراسر وحشت وتوام با اضطراب ودلهره‌گی خود ادامه می‌دهند ،هیچگاه نمی توانند خلاقیت ها وقدرت های انسانی خودرا به نمایش بگذارند ، بهترین وشایسته ترین زمامداران ،زمامداروحاکم است که درجهت اصلاح مردم، گام بردارد وبه‌نظریات وافکار آنها احترام گذاریده‌وبه‌آنان ارزش، اعتبار، حق دخالت در مسایل سیاسی و ...قایل شود .هیچگاه با مردم ،دیکتاتورمنشانه‌برخورد ، ننماید . ازمهمترین وظایف رهبران جنبش ملی وتوحیدی آنست که همیشه پشتیبان توده‌ها بوده ومورداعتماد وتکیه‌گاه مستحکم آنان باشند، چه‌اگراین رهبران نتوانند ،پشتیبانی وحمایت توده ها را به‌خودجلب نمایند، هیچکاری مثبت را انجام داده نمی‌توانند به‌گفته‌ی منیرشفیق :" بدون این اعتماد ،هیچ انقلابی به‌پیروزی نخواهد رسید و تنها اراده توده ها است که همه‌چیز را دگرگون می‌سازد ، البته اعتمادواتکاء مردم به‌رهبران جنبش ،به‌دوگونه میباشد

۱ــ کورکورانه .

۲ــ آگاهانه

رهبران راستین جنبش های ضد استعماری ورهائیبخش به ویژه رهبران انقلاب توحیدی ،هرگز از مردم اطاعت کورکورانه‌نمیخواهند واز آنها به صورت آلتی در اجرای مقاصد شخصی خود استفاده نمی‌نمایندوبا فریب ونیرنگ توده ها راگمراه ننموده‌بدنبال شان نمی‌کشانند ،چه‌دربینش توحیدی مکتب ما ،اطاعت کورکورانه‌وبدون چون وچرا ازیک فرد و یا یک تشکیلات وجودندارد ودراسلام توده‌ها تا آنگاه مجازنددرپی رهبر ،سازمان ویا افرادمورداعتماد خودشان حرکت نمایند که راه‌وخط مشی آنها را با خط مشی وراه‌ورسم اسلام‌درتضاد نبینند والا هرگزمجاز نیستنداز آنها پیروی نمایند، هیچ کس حق ندارد به بهانه اطاعت ورعایت دسپلین حزبی ازدستگاه رهبری خود انتقاد ننموده‌و ضعف ها و اعمال خاینانه‌آنها را نادیده بگیردواحیانا توجیه‌نماید .

سازمان ها وتشکیلات که بر پایه‌ی اصول وارزشهای اصیل انسانی واسلام شکل گرفته‌باشند ، هیچگاه‌با مردم‌دیکتاتورمنشانه عمل نمی‌کنند ،آنها راازخود دور نمیرانند ،بلکه‌هما ره‌سعی می‌کنند تا مردم‌را همراه‌داشته باشند .

به‌گفته‌ی فانون :" وظیفه یک رهبری این است که ،توده‌ها را با

خودداشته باشد، امایار شدن و پیوستن (توده‌ها) نیازمند شعور وجدان است، نیازمند مهم‌رسالتی استکه، بایدازعهده‌آن برآمد، سخن کوتاه نیازمند روشنفکرشدن ولوبه‌مرحله جنینی است، نباید مردم را سحر وافسون کرد، نباید درتاثروهیجان تحلیل شان برد."

رهبری سالم‌وارزشمند، رهبری استکه به‌جای تحریک احساسات وایراد چندخطابه‌آتشین‌ونگهداشتن مردم را درمرحله‌ی احساس‌وهیجان سطح فکری وآگاهی آنها رابالاببرد وروشن شان کندوبه‌آنها تربیت سیاسی دهد، البته‌اشتباه نشود، مقصوداز تربیت سیاسی دادن به خلق به‌معنی ادای روشنفکرانه درآوردن وچندتاپدیده روز را تحلیل نمودن نیست، بلکه‌به‌معنی زایاندن فکروهوش درمردم است، فانون‌می‌گوید: "درحقیقت‌اغلب بانوعی ساده‌اندیشی جنایتکارانه گمان می رودکه‌تربیت سیاسی‌توده ها یعنی بی کم‌وکاست، یک نطق سیاسی بزرگ برای شان ایراد - کردن، گمان می رودکه بارفتار موقرانه‌ولحن فضل فروشانه‌ازامور مهم‌روز، سخن گفتن کافی است، تارهبر ازانجام این وظیفه‌عاجل وخطیر یعنی تربیت سیاسی‌توده‌ها فارغ و آسوده گردد، تربیت سیاسی، یعنی آفرینش‌جان های بیدار یعنی زایاندن فکر و هوش یعنی هماننطوریکه‌امه‌سه‌زرگفته‌است: "استعدادهای اخلاقی وروشنفکری راازنوآفریدن" تربیت سیاسی را نمی توان یک خطابه‌ی سیاسی دانست ونه‌هست تربیت سیاسی یعنی باتمام قوی درصددفهماندن این امربه توده ها برآمدن که‌همه‌چیز از آنها هست بسته‌به آنها ودرگرو تصمیم آنها است."

هرگروه‌ویاافرادی که‌جدا ازمردم ومستبدانه‌عمل نمایندوبه‌نظریات ودیدگاههای آنها احترا مگذارند وباهزاران تحلیل وتوجیه‌گمراه - کننده‌وغیرواقع‌بینانه‌درمسیرجدا ازمردم گام بردارند، فرجامی جز سقوط دردامن خودمحوری وانحصار طلبی ندارند، تک روان جامعه ما آنانیکه‌درآسمان خداودر زمین فقط خودرا می خواهندوغیراز خود هیچ فردی را قبول ندارند، همگان را منافق ویا مرتجع می نامند، بایدبدانندکه‌رهبری جنبش با این عظمت وشکوهمندی که‌جهان را به شگفتی وا داشته وروسیه‌را بزانو درآورده است، در صلاحیت وشا - یستگی چنین عناصرتک رو وتنگ نظر که فاقدایوئولوژی توحیدی وتئوری انقلابی اند، نیست وهم برآنانکه‌نان دین را می خورند و

برای دنیا کار می کنندونه تنها تعهدومسوولیت اسلامی وانسانی شان را درقبال مردم ومکتب احساس ننموده ،کوچکترین حرکتی از خود نشان نمی دهندکه کار و پیکار صادقانه عناصرمتعهدومومن راکه شباروزچون شمع برای مردم وانقلاب می سوزند، ولحظه ی آرام نمیگرند نیزنادیده میگیرندوهنری جزتفسیق تکفیر، توطئه تخریب ولجن مال کردن نیروهای انقلابی وبالنده کشور را ندارندوهرآنچه رامطابق اندیشه های کج ومعوج خودیافتندازمتن اسلام وبرخاسته ازعمق مکتب می پندارند ،امابرداشت ،فهم و تلقی انسانی وتوحیدی که دیگران یعنی مخالفان فکری و عقیدتی آنان ازاسلام دارندرا ،کفروبی دینی والتقاط می دانند ،است که بیش ازین با حیثیت خود بازی ننموده ودرمسیرحرکت نیرو های انقلابی مسلمان ومبارزکشورسنگ اندازی ننمایند .ونیزروشنفکران ما باید این واقعیت عینی را درک نمایندکه با ارائه تحلیل های روشن فکرانه و دورازواقعیت های موجود جامعه شان ازپاریس، لندن ، واشنگتن و ..... درحالیکه هیچ ارتباط وپیوندبا مردم ندارندواز فرسنگها دور، دستورالعمل برای ملت تعیین نموده وتحلیل ازاوضاع سیاسی واجتماعی کشور ارائه می دهند وحاضرهم نیستند دست ازجمودو سرسختی خودبرداشته تحلیلات غیر واقع بینانه خودراکنارگزارند ، نمی توانند ،پیش آهنگ ،جنبش ضد استعماری ورهائیبخش مردم ما باشند، پیشتازان مبارزه کسانی اندکه درپیشاپیش نهضت درحرکت باشندودرمتن مردم قرار داشته باشند و با سعه ی صدر و بدور ازتنگ نظری با مسایل و حوادث پیرامون خودبرخوردنمایند .

" دگماتیسم " "یک پدیده بسیار خطرناک وزیان آوراست که یک مبارز انقلابی موظف است به شدت با آن مبارزه نمایدوبا مسایل بطور دگموار ، برخوردننمایند ، چه بسیارندانقلابیون پاک وصادق که هدف جز خدمت کردن برای مردم ، ندارندولی چون درگرداب جمود و سرسختی غرق اندوگرفتار این مرض کشنده میباشند دست به انجام کار هائی می زنندکه بضررجنبش و به زیان آرمانها واهداف انقلابی آن می باشد ،متاسفانه بوده اندکسانی که در کشور خونرنگ واسلامی ما با برخورد دگماتیسمی شان با مسایل مشکلات وفجایع برای مردم بوجود آورده اند به بهانه و با شعار انقلابی " حقیقت را نباید فدای مصلحت کرد" کارهائی را انجام



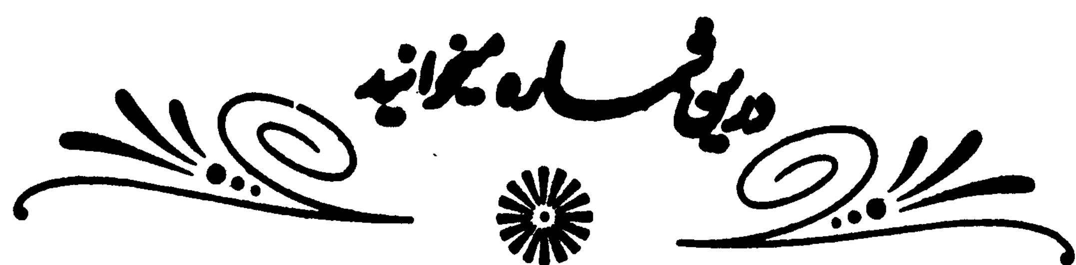


استقامت

ماهنامه حرکت اسلامی افغانستان

سال تاسیس ۱۳۵۸
زیرنظر شورای فرهنگی
شماره مسلسل ۵۸-۵۹
سال ۱۳۶۵
ماههای
جوزا و سرطان
رمضان وشوال ۱۴۰۶

نشانی :
قم، خیابان انقلاب، چهارراه سجادیه، دفتر مرکزی
حرکت اسلامی افغانستان
تلفن ۲۱۹۴۵
کد پستی ۳۷۱۵۸
تلفن نمایندگیهای حرکت
اسلامی درشهرستانهای ایران:
تهران ۳۱۸۳۷۰
مشهد ۵۸۹۵۴
اصفهان ۵۷۰۳۳
شیراز ۴۸۸۳۵
زاهدان ۲۵۱۶۹
زابل ۲۷۸۰
کرمان ۲۷۹۰۸



به‌علت تراکم مقالات وگزارشهای رسیده ازچاپ گزارشهای ازجهان اسلام ونگاهی به‌مطبوعات خودداری گردید.

خواننده عزیز:
مجله‌ی استقامت که بیانگر مبارزات قهرمانانه‌ی ملت مسلمان افغانستان است ازشما وبه‌شما تعلق دارد. پیشنهادات و انتقادات سازنده‌ی شما راهگشای ما خواهد بود.

داده اند که برای مردم هرگز قابل تحمل نبوده است .

درست است که حقیقت انقلاب وجنبش را نباید قربانی مصالح و منافع شخصی نمودوبرای حفظ مقام وموقعیت خود فرصت طلبانه ازابراز حقایق چشم پوشی نمود ،اما این بدان معنی نیست ،که به خاطر یک حقیقت ،حقایق بزرگتری را قربانی نماییم .بعنوان نمونه مبارزه با سنن ورسوم خرافی وغلط حاکم بر جامعه یک حقیقت است که در جای خودش باید صورت پذیرد . اما این مبارزه نباید طوری باشد که احساسات مردم راتحریک نموده ، انگیزه و عامل ایجاد نفاق واختلاف درمیان مردم گرددووحدت ملی آنان را در برابر استعمار بهم زند ، واقعیت اینست که این آقایان انقلابی ! میان اهداف محوری واساسی وهدف های مرحله ای نتوانسته اند تفکیک نمایند ، درهرانقلاب وجنبش یک سلسله اهداف محوری وآرمان های اساسی وجود دارد که بنام استراتژی یاد می شود که تحت هیچ شرایط قابل تغییر نیست اما از اهداف و آرمانهای مرحله ی میتوان در تحت شرایط استثنایی چشم پوشی نمود درشرایط کنونی ،مبارزه با امپریالیسم روس وبیرون راندن نیرو های اشغالگر وتحکیم حاکمیت مردم واسلام جزء اهداف استراتژیکی و محوری ماست ، که تحت هیچ شرایط تغییر پذیر نیست ،اما حاکمیت کل ارزش های جنبش ،نیاز به زمان وشرایط مناسب دارد .

(پایان)

بقیه از صفحه (۳۰)

بیفتند ،همانگونه که ملت ما تاکنون دربرابر توطئه های خائنانه روسها و عوامل هوشیارانه ایستاده و نقشه های آنان را نقش بر آب ساخته است ،از این به بعد نیز هوشیارانه تر از پیش با دسیسه های دشمن مقابله خواهند نمود ،به یاری خدا ، نابود باد توطئه های شیطانی امپریالیسم روس. دراهتزاز باد رایت خونرنگ قیام مستضعفین . .



۱۲

دیدگاه ها و مواضع ما

مشکلات

حکومت آینده، مانند حکومت های دیگر دنیای امروز، مشکلات بی - شماری خواهد داشت ولی مهم ترین مشکلات و عاجل ترین حل مطلب آنها امور زیر است.

امروز تا حدودی روسها، به جهت حفظ رژیم خود در کابل کمک میکنند و در فردای خروج روسها، همین کمک هم قطع می شود و معلوم نیست دولت های اسلامی تا چه اندازه به کشور بلازده ی ما کمک خواهند کرد. و این موضوع بسیار مهم است و باید متخصصین اقتصادی، از همین حالا به فکر چاره ای باشند، زیرا دولت اسلامی، چیزی برای مصرف ندارد.

۲- عده ی زیادی از مردم شهرها، منازل مسکونی خود را فروخته و به خارج رفته اند، در موقع بازگشت آنان، مساله مسکن وضع دشواری خواهد داشت و مساله مواد غذایی برای میلیونها تازه وارد در سرزمین که زمین های زراعتی آن را روسها پلیدو ویران کرده اند، نیز نباید کم اهمیت جلوه کند و رود تدریجی مهاجرین هرچند تا حدودی به تخفیف مشکله کمک خواهد کرد ولی رغبت مردم به خانه و کاشانه شان و رغبت دولت های ایران و پاکستان به تخلیه کشورشان از بیگانگان فرض مذکور را غیر قابل اعتماد می گرداند.

۳- گرفتن اسلحه از مردم مسلح، یکی از شدید ترین مشکلات اجتماعی خواهد بود، و با انتشار اسلحه امکان برقراری امنیت عمومی و تحکیم قانون و نظم منتفی است و جمع آوری اسلحه مدتها وقت لازم دارد، خاصه اینکه مساله به دولت و مردم تنها خلاصه نمی شود که پای احزاب و رقابت های گروهی نیز در میان است.

۴- اگر برای بدست گرفتن حکومت، میان احزاب توافقی بعمل آید فهوالمطلوب والا جانشینی کمونیست ها خودنیاز به خونریزی های شدیدی خواهد داشت مگر اینکه تا آن وقت بعضی از گروه ها آنقدر قوی شود که

جلو مخالفین خود را به حدکافی بگیردکه فرض مذکور بسیار بعید به نظرمی رسد .
یکی از راههای حل این معضله پیچیده ،تشکیل شورای انقلابی از گروههای قوی می باشدولی اگر اوضاع آن روزهمانندا وضاع امروزباشد لازم است ازدوسه کشور مسلمان نیرویی برای تضمین قرارداد گروهها در دوران فترت وبرای نظارت برامرانتخابات عمومی وانتخابات یک حکومت وجود داشته باشدکه مجموع مدت مذکور نبایدازیک سال بیشتر شود . این مساله هر چند تصورش آزاردهنده است ،ولی فرارازواقعیت ها هم کار عقلایی نیست ، وقتی گروهها کشتار را برای نیل به هدف خود مباح بدانند ، بایدبرای حفظ جان های مردم بی پناه خودمتوسل به دیگران شویم . .
۵- مساله شیعه وسنی که همیشه مشکله ی بوده ،بایدبدوراز احساسات وتعصبات برمبنای عدل وانصاف برای همیشه حل شودتا دستهای ناپاک خارجی ها ،قطع شود . پذیرفتن امورزیر ، مثلاسبب صلح وصفا و برادری می شود .
اولا : مذهب شیعه درقانون اساسی همانندمذهب حنفی معتبرگردد .
ثالثا : در ولایاتی که اکثریت اهالی شیعه است والی وولسوال و قاضی آن شیعه باشد .
رابعا : منازعات شیعه براساس فقه خودشان حل وفصل شود .
خامسا : درانجام مراسم مذهبی خودآزادباشند .
سادسا : اداره واوقاف آنان و طرز اداره علمای آنان دروزارت ارشاد اسلامی مشخص باشد .
سابعا : درحقوق سیاسی واجتماعی وغیره تبعیض نباشد .
ثامنا : به هزاره جاتی که درطول تاریخ خود ، فراموش شده بودو تنها توجهی که به آن می شد ،جمع آوری مالیه وجلب عسکر بوده ،باید همانندسایر مناطق عقب مانده ، توجه شود . وازمظالم کوچیها جلوگیری وراه حل عادلانه ای برای مشکله آنها جستجو شود .
۶- درحالیکه جمعی از محصلین پوهنتون ما به تلقین اجانب پلید منکر دین وقرآن وخدا وشرف ومعنویت بودندجمع کثیردیگری ازمردم ما دراسارت خرافات مخالف دین باسم دین بوده اند ؛ ومسلما فردا

هم خواهند بود. وعلاوتا ،عادات ورسوم خسته‌کننده‌وغیرعقلایی‌نیزدر میان ما رایج است، حکومت بایدگاهی قاطعانه‌وگاهی با حوصله‌بدون احساس خسته‌گی به‌خشکانیدن ریشه‌های خرافات وعادات سوء بپردازد و به مردم آگاهی بدهدتا همه از تبلیغات اسلامی سعادت دنیایی و اخروی خود را بازیابند، واین مساله‌سزاوار توجه جدی حکومت‌واهل علم است.

۷- مناسبات ما با روسها نیزیکی ازمسایل پیچیده‌ایست که تا حدود زیادی مربوط بروش بعدی آنان می شود،آیا روسها زودترازافغا- نستان خارج می شوند یا دیرتر، خروج آنان اخلاقی خواهد بود، یا وحشیانه ، شرایط آخرکار چه خواهد بود ؟ آیا خسارات و ضایعات چندین ساله راجبران خواهندکرد یانه، وامثال این سئوال ها :

۸- روابط سیاسی ما بارژیم های کمونیستی که‌علیه ملت و کشور ما باروسها کمک کرده اند، ولی در جلد کشورهای بیطرف خودرامعرفی می دارند.

۹- روابط ما باآن دسته از دولت های کشورهای اسلامی که با انقلاب اسلامی ما مخالفت کرده اند مانندرژیم‌های لیبی،سوریه‌ویمن جنوبی.

به‌نظرما دولت اسلامی آینده‌افغانستان ،درین سه‌موردبایدموضع روشن وقاطعانه داشته باشدوما بایددر روابط‌خودوسایردولت ها اخلاص وکمک دیگران را به‌انقلاب اسلامی خودمدنظر بگیریم‌والبته که حساب ملت های مسلمان از دولت های آنان جدا است..

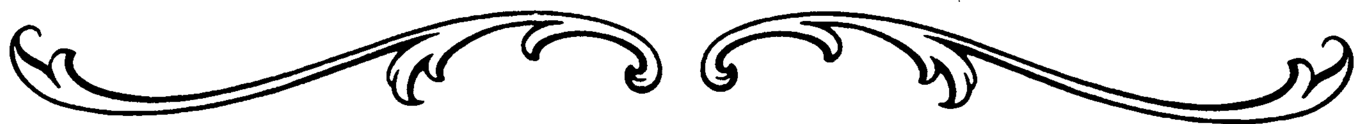
۱۱- الغای همه‌قوانین وعملکردهای رژیم‌های کمونیستی، بلکه رژیم سلطنتی که‌مخالف اسلام بوده‌است، این امرهرچندکه‌حتمی وغیر قابل تردیدمی باشدولی ممکن است در ابعاداجتماعی و سیاسی و اقتصادی ، گاهی با مشکلات زیادی همراه باشدکه اولیای اموررا با اضطراب وحتی بانحراف می‌کشانند.

۱۲- ارشاد دوباره جوانان ونوجوانان که در روسیه‌وداخل افغا- نستان مبتلا به مرض‌بدتر ازسرطان خرافات مارکسیسم‌شده‌اندومورد شستشوی مغزی قرار گرفته اندوپیروزی درین امرازظرافت خاصی بر- خوردار است.

۱۰- روابط ما باآنانیکه با انقلاب مردم ما مخالف نبوده اند ولی با اسلامی بودن مخالف بوده اند.

۱۰

جهاد در اسلام



وان جنحوا للسلم فاجنح لها وتوکل علی الله انه هوالسمیع العلیم
(انفال ۶۱)

اگر کفار به مسالمت وترک جنگ میل نمایند، (توهم) به آن میل نما وآن را بپذیر وبرخدا توکل کن، زیرا او شنوا ودانا ست.

ازین آیه چنین استفاده می شود که، درفرض عدم تمایل کفار به جنگ مسلمانان هم باید دست به جهاد نیازند و پیشنهاد مسالمت کفار را بپذیرند، ولی آنچه که از نظر تاریخ وفقه مسلم است، اینست که جهاد ابتدایی در اسلام وجود دارد وتا حدامکان باید کفر وخرافات شرک وبی دینی از زندگانی انسانها زدوده شود، لذا دانشمندان عالیقدر در پیرامون آیه فوق، نظریات مختلفی ایراد کرده اند که ما جهت اطلاع خوانندگان عزیز، به پاره ی از آنها اشاره می کنیم.

۱- آیه فوق نسخ شده است وناسخ آن آیه مبارکه: اقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم. وآیه: قاتلوا الذین لا یومنون بالله است.

مشرکان را به هرکجا یابید، بکشید. باکسانیکه به خدا وروز قیامت ایمان نمی آورند، بجنگید.

۲- آیه در رابطه با اهل کتاب نازل شده است واهل کتاب اگر شرایط ذمه را بپذیرند، قتال با آنان مشروع نیست.

۳- امر به مسالمت درفرض عدم توانایی مسلمانان به جهاد است ویا در فرض که مصلحت مسلمانان، تقاضای مسالمت ومصالحت نماید.

ما بحث علمی این مطلب را درجزء اول کتاب جهاد اسلامی خود ذکر کرده ایم وامیدواریم که درآیندهٔ قریب به چاپ برسد.

وان یریدوا ان یخدعوک فان حسبک الله هوالذی ایدک بنصره

وبالمؤمنین . اگرکفار مدعی مسالمت بخواهند ترا (با دعای صلح) فریب دهند (وقصدشان ازمصالحه تجدید نیرو وتحصیل آمادگی بیشتر برای هجوم علیه اسلام ومسلمانان باشد (به هدف خود نخواهند رسید) زیرا خداوندترا کفایت می کند . خدائیکه ترا بیاری خودبه مومنان تایید نموده است ومیان دل های مومنان (انصار مدینه که بین آنان بنام اوس وخزرج اختلاف وبدبینی وجود داشت) الفت انداخت اگر (تو) تمام ثروت زمین را انفاق می کردی ،دل های آنان راالفت نمی دادی ، ولی خدا که عزیزوحکیم است ، میان آنان موالفت ایجاد نمود . (وبوسیله دین مقدس اسلام کینه ها وبدبینی راازدل های آنان ز دود و بجای آن محبت وتعاطف را آورد .)

یا ایها النبی ، حسبک الله ومن تبعک من المومنین یا ایها – النبی حرض المومنین علی القتال ان یکن منکم عشرون صابرون ....

بعضی ها گفته اند این آیه قبل از شروع جنگ بدر نازل شده است که ای پیامبر! خدا وپیروان مومن تو، ترا کافی هستند (کثرت دشمن و زیادتی آلات جنگی آنان ترا نهراساند)

ای پیامبر ، مومنین را ترغیب به جنگ شما اگر ازشما بیست تن با صبر باشند ،بردوصدتن (از دشمن کافر) پیروزمی گردند واگر ازشما یکصدتن (جهادگرصابر) باشند ،برهزارتن ازکفار غالب می آیند .

بلی درجنگ ها عمده کیفیت معیار پیروزی وشکست است نه کمیت بالاخره نیروی مومنین با استقامت ده برابر نیروی کافران است .

ولی پس ازمدتی هرچندکه شمارهٔ مسلمانان فزونی یافت اما آن روحیه ومعنویت اول باقی نماند ، در اراده ها خلل وناتوانی واقع شد ، لذا دوباره چنین نازل شد ، الان خفف الله عنکم وعلم ان فیکم ضعفا . الان خداوند برشما تکلیف جهادرا سبک نمودوازلزوم مقاومت یک تن (مثلا) درمقابل ده تن کافر عفو فرمودودانست که در (وجود و روحیات) شما ضعف وناتوانی حاصل شده است .

پس چنانچه ازشما صدنفر با ثبات باشند ، بردو صد تن غالب شوندواگر از شما هزارتن باشندبر دوهزار (آنان) به اذن خدا پیروز گردند ، (وبرشما لازم است که درمقابل دشمن تا دو برابر مقاومت کنیدنه تا ده برابر) وخداوند با صبرکنندگان است .

مجاهدین مسلمان درین آیات ، غور ودقت نمایندکه نقش استقامت

ـ وعزم راسخ در پیروزی بر دشمن تا چه حد زیبا ‌داست ؟ وچه اندازه قرآن مجید به آن اهمیت می دهد .وما چون تفصیل این موضوع را در جای دیگر ذکر کرده‌ایم از تکرارش در اینجا اجتناب می‌کنیم .

ما کان لنبی ان یکون له اسری حتی یثخن فی الارض تریدون عرض الدنیا والله یرید الاخره والله عزیز حکیم .. لولا کتاب من الله لمسکم ... (انفال ۶۷ ـ ۶۸)

برای هیچ پیامبری اجازه داده نشده است که از (مشرکین وکفار) پیش از آنکه از آنان زیاد بکشته باشند ، (وآنان را ناتوان نکرده باشند) اسیر بگیرند ، شما بهره دنیا را می خواهید وخداوند (برای شما ثواب) آخرت را می خواهد .

مبادله اسری ویا به برده گرفتن آنان هرچند برای رزمندگان مسلمان فوایدی دارد ،ولی تا زمانیکه شر دشمن را بوسیله کشتار زیاد برطرف نکرده‌اید ، نبایدبه اسارت آنان بپردازید که آنان را از دم شمشیر بگذرانید .

وظیفه مسلمانان افغانی ،درجهاد فعلی شان اینست که روس ها و کمونیست های داخلی را بی معطلی وفورا بکشند وآنها را بعنوان اسیر زنده نگهندارند ، تجربه هم نشان داد که صلیب بین المللی اگر هم قصد نیرنگ نداشته ، کاملا از مبادله اسیران عاجز بوده وروسها غالبا به آزادی زندانیان مسلمان حاضر نشده‌اند ، وبعضی از گروه های افغانی بطور یک جانبه ،اسیران روسی را برخلاف دستور قرآن به اعضای صلیب بین المللی داده اند ..

درین مورد قرآن مجید مطلب را چنین بیان می دارد .

اگر نوشتاری از جانب خداوند پیشی نگرفته بود درین اسیر و فدیه گرفتن کفار (از هفتاد تن اسیر درجنگ بدر)عذاب بزرگی بشما می رسید ،پس بخورید آنچه را به غنیمت گرفته اید وحلال وپاکیزه وخدا غفور ومهربان است .

مورخین نوشته اند که درمقابل فدیه گرفتن از هفتاد تن کفار در جنگ بدر ونکشتن آنان ، هفتاد صحابی درجنگ احد به شهادت رسیدند .

ان الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل الله والذین آووا ...... (انفال ۷۲ـ ۷۳)

کسانیکه ایمان آورده و مهاجرت نموده اندوبه مال ها وجان

های شان درراه خدا جهاد کرده، وکسانیکه (مهاجرین را) خانه و کاشانه داده اند، آنان دوست دومی همدیگرند. کسانیکه ایمان آورده اند (ولی ازجائیکه دین شان درخطراست) هجرت نکرده اند دوستی وولایتی میان شما وآنان وجود ندارد، واگراز شما در دین یاری بخواهند، آنان را یاری نمائید، مگرعلیه قومی که میان شما وآنان پیمان (عدم تجاوز) وجود داشته باشد.

رشته محبت وولایت را خداوند درمیان مومنان مهاجر جهادگر برقرار ساخته است، مسلمان باید اول ازمنطقه‌ی که دین او یا دین اولاد او درخطراست، هجرت کند وسپس به جهاد بپردازد، وهجرت از ایمان و جهاد جدا شدنی می باشد، کسانیکه امروز دردستگاه حکومت کمونیستی کار می کنند، هیچگونه برادری ودوستی با مجاهدین ومهاجرین ندارند.

ولی اگر ازمهاجرین، برای حفظ دین خود ونجات از دام کفر کمونیزم یاری بطلبند، واجب است که باید به کمک آنان شتافت، و گرنه فتنه وفساد بزرگی در روی زمین بوجود خواهد آمد.

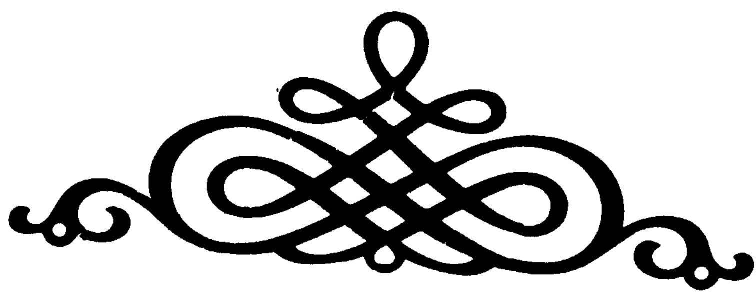
۵- والذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله والذین آووا و نصروا اولئک هم المومنون حقا لهم مغفرة و رزق کریم. (انفال- ۷۴).

کسانیکه ایمان آورده وهجرت وجهاد در راه خدا نموده اند وکسانیکه جای داده ویاری نموده اند، اینان مومنان حقیقی می باشد، برای اینان (نزد خداوند) آمرزش وروزی خوبی وجود دارد.

ایمان براستی، آمرزش خداوندی ورزق گوارا، برای مومنان مهاجر جهادگر وانصار آنان است، چقدر عالی وبلند است، مقام مهاجر مجاهد؟!

سوره‌ی انفال چنین به پایان می رسد:

والذین آمنوا من بعد وهاجروا وجاهدوا معکم فاولئک منکم واولی الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله، ان الله بکل شیء علیم.



تعویض مهره ها
نشانه عجز روسها

سرانجام پس از گذشت ۶ سال واندی از حاکمیت سیاه و ننگین و سراسر جنایت امیزمزدوره سابقه دار کرملین ، ببرک کارمل ، رئیس رژیم تحمیلی ودبیرکل سابق حزب وی طبق برنامه های ازپیش تعیین شده از سمت دبیرکلی حزب برکنار گردید ، که بظاهر استعفا نام گرفت ، ودلیلش همنا توانی جسمی ببرک در اداره وپست مهم (دبیر کلی وریاست جمهوری) اعلام گردید درعوض داکترنجیب الله (نا نجیب کرملین) دبیر کل حزب گماشته شد ، غیبت ببرک از صحنه سیاست افغانستان که ازیکماه پیش به بهانه معالجه درمسکو بسر می برد و هیچ اطلاع از سرنوشت وی در دست نبود وهم چنین استقبال گرم مقامات کرملین از کشتمندکه درطی بازدید وی ازمسکو صورت گرفت ، و تجلیل فراوان که از او درسالروزکودتای ننگین هفت ثور شد ، این شایعه را که ازمدت ها پیش برسرزبان ها افتاده بودکه افغانستان آبستن حوادث تازه است ، تقویت نموده و حتی برخی ازکشتمندبه عنوان رهبر آینده افغانستان یادمی نمود ، سرانجام این شایعه به واقعیت پیوست ، اما برخلاف تصور عده ای داکتر نجیب نه کشتمند ، به حیث دبیرکل ورهبرجدیدافغانستان در صحنه ظاهرگردید نکته قابل تامل اینجاست که این تغییردر دستگاه رهبری درزمان صورت گرفت ، که کنفرانس ژنوبه منظورحل سیاسی مسالهٔ افغانستان وارد هفتمین دور مذاکرات خودمی‌شد ، حال باید دیدکه چه عوامل باعث شدتاطراحان (سیاسی، نظامی) کرملین به چنین اقدامی دست زنند؟ آیا ببرک مزدور با سابقه ووفادارکرملین دراجرای مقاصد ومطامع روسها کفایت وتوانایی خودرا ازدست داده بودولذا فاقدقدرت وارزش واعتبارشده ، از کار برکنارگردید؟ و یا کارمل دراجرای مقاصدروسها کوتاهی نشان می داده ، وبدین جهت موجب خشم و موردغضب ارباب خودقرار گرفت و

داکترنجیب که فرمان بردار مطاع به حساب می آمد، جانشین وی گردید ویا روسیه پس از هفت سال جنایت بەتازەگی با ختلافات میان اقوام وقبایل ازیکطرف وتضاد آشتی ـ ناپذیرمیان خلق وپرچم که (این اختلافات نیزبیشترازاختلاف در قومیت نشئت می گیرد) ازطرف دیگر درپس پرده وبا انتصاب نجیب (که یک پشتونیست سرسخت میباشد با ین) سمت می خواهد به یک تیر دونشانه زند، یعنی هم پشتون های سرحدی را رام نموده، بسوی خودجذب نماید، (لازم بەیادآوریست که نجیب خود ازین اقوام می باشد) وهم تضاد میان خلق وپرچم را تا اندازه کاهش دهد؟ ویا تغییردرسیاست روسها پدید آمده ومیخواهد ازراه دیگری غیر ازراه نظامی مساله افغانستان را حل نماید وبدین جهت کارمل را برکنار ونجیب را که طی سال های گذشته ریاست سازمان جاسوسی خاد را به عهده داشته وموفقیت های را نیزدرزمینۀ ایجاد نفاق واختلاف بدست آورده بود، جایگزین وی نموده است.

واقعیت هرچه باشد ولی این تحلیل به هیچ وجه درست نیست که ببرک به علت سرپیچی و تعلل از اجرای مقاصد روسها ازکاربرکنار شده باشد، زیراکارنامه سیاه چندین ساله حکومت ببرک ونیزسابقه ننگین وی درنوکری برای کرملین در دوران ستمشاهی وداوود شاهی این نظر را بکلی مردود می سازد وباسیراجمالی درگذشته سیاه کارمل بخوبی درمی یابیم که وی در نوکری ومزدوری برای روسها هیچ کوتاهی ازخودنشان نداده وچنین تصمیم ازوی دیده نشده، از روزیکه ببرک درصحنه سیاست افغانستان ظاهرشده است چه دردوره حکومت ظاهرشاه خاین وداوود جنایتکار وچه دردوره حکومت ننگین خودش همیشه پشتیبان ومدافع سیاستها و اهداف توسعه طلبانه امپریالیستی روسها بوده است وهیچگاه در جهت خلاف مصالح ومنافع آنها گام برنداشته است، وی به تبع از سیاست و موضع روسها علیرغم اینکه خودش را فردی مترقی وپیرو ایدلوژی مارکسیسم لنینیسم مخالف استبداد وطرفدار طبقه کارگرمی دانست به ثناخوانی و مداحی خاندان کثیف سلطنتی می پرداخت وازشاه به عنوان فردمترقی وازرژیم خونخوار وی به حیث دموکراتیک ترین رژیم یادمی نمود و دراد امه همان نوکری ها برای مسکو بودکه ازرژیم جلاد داوود تا وقتیکه موردحمایت کرملین بود، تمجید و پشتیبانی می نمودودرزمان حکومت سیاه خودش نیزاطاعت بی چون وچرا



گزیده از فرموده‌های امام

* اگرخدای ناکرده روحانیون وبویژه آنانیکه مسئولیت اجرای مدونویا وظیفه ارشادی مشخص به عهده دارند ،ساده‌زیستی و زندگی طلبگی را رها کنند ،درحقیقت رابطه خودرا با مردم قطع کرده‌اند . و احترام واعتماد وصمیمیت متقابل با مردم‌را رها کرده اند .

همانطوریکه پیغمبراسلام (ص) و امیرالمومنین وسران اسلام‌وائمه ما زندگی شان ساده‌وعادی‌بودبلکه پائین ترازعادی ، آنها هم که انقلاب را که‌به‌پا کردند ،مردم‌عادی هستند .

معمولا مردمی که‌با روحانیون سروکار دارندافرادمستمند محروم ودردمند جامعه بوده‌اندکه‌اکثریت هم‌داشته‌ودارندواصولا انقلاب را آنها باعث وبانی ونگهبان بوده وهستند .

سرمقاله

روس‌هادرچه‌خیال‌اند؟

۱- عقب نشینی یکطرفه
۲- بقای رژیم
۳- ببرک ونجیب
۴- وظیفه ما

الف - عقب نشینی یکطرفه :

شایددرکانفرانس هشتم ژنو مشخص شودکه‌روسها واقعا قصدبیرون بردن‌نیروهایرا به‌همین زودی ها ازافغانستان دارندیانه ؟ ولی‌از شواهدوقراین چنین استنباط می‌شودکه‌روسها می خواهند از کشور اسلامی ما بدلایل‌متعددی‌عقب نشینی کنندازجمله دلایل مذکورامورزیر است :

اولا افغانی نمودن جنگ ، تا قاتل ومقتول افغانی باشدو روس ها ازتلفات جانی‌راحت شوندواین روش ، روش آمریکا درجنگ ویتنام بودکه پایان خوبی برای آنان‌به بارنیاورد .

ثانیا فرارازمزیدرسوایی،روس ها امروززیربارسنگین فشارهای سیاسی بین المللی‌میباشندوبعنوان مهاجم ومتجاوز ،برملت های ضعیف

اش را از کرملین ثابت نموده است. ولذا به‌هیچ وجه نمی‌توان عزل ببرک را نشانه کودتاهی وی در اجرای مطامع اربابان شان دانست، چنانچه برخی می پنداشته‌اند.

امااینکه ببرک کفایت خودرا در حفظ منافع روسها از دست داده‌باشد ویااینکه حکام کرملین بخاطر دل-گرم ساختن قبایل سرحدی پشتون به‌چنین اقدام دست زده‌باشد ویا روسها نسبت براه‌حل نظامی تغییر موضع داده ودر راه حل تفرقه بیانداز وحکومت کن را مناسب تشخیص داده است که انتخاب نجیب بیانگر آن است، هیچیک آنها بعید نیست زیرا درطی چندسال تجاوز روسها به میهن اسلامی ما ومقاومت غرور آفرین ملت ما بخوبی روشن گردیده است که ببرک وهمقطاران اش قادربه‌فرونشاندن خشم مقدس مردم ما نیست، روسها سخت دراشتباه اند اگرخیال می کنندبا جابجایی مهره ها می توانندشعلهٔ مقدس قیام رهایی بخش وضد استعماری رزم-آوران دلیر ما را خاموش سازند، ودژ تسخیر ناپذیرآریانای‌باستان را فتح نمایندنه‌تنها ببرک که‌هیچ یک از نه‌کران روس نیزنخواهند توانست در برابراراده پولادین دلیرمردان کوهستان ما تاب مقاومت بیاورند، بهتراین استکه روسها بیش از این خودرا رسوا ومردم ما را زحمت ندهندوخاک پاک میهن مان ما را ترک نمایند، چه افغا-نستان زادگاه شیران است ومأمن شجاعان نه‌جولانگاه خوکان آدم-خوار، تزارهای سرخ باید این واقعیت را درک نمایندکه دیگر دیر شده‌وبا این ترفندها وشگردها دیگر نمی توانند، مردم‌هوشیار وانقلابی ما را بفریبند. نه مردم غیوروطن-



دوست قبایل سرحدی فریب وعده و وعیدهای روسها را می خورند ونه بقیه مردمان کشورازپت وپتاق آنها می هراسندونه هم تبلیغات مسموم‌کننده وزهرآگین عمال روس در روحیه‌آنها اثر می گذارد امروز ملت ما هوشیارتر از آن است که‌در دام شیطانی وپلیدعوامل جبهه ملی پدروطن ودیگرجیره‌خواران دولت مزدور(که مذبوحانه تلاش می کنند، تا وحدت ملی واسلامی مردم را بهم‌بزنندوازین‌راه حرکت اسلامی ما را به شکست بکشانند)،

بقیه درصفحه (۲۰)

گوشه‌ی از جنایات مزدوران روسی با زندانیان

یکی از فدائیان ومجاهدان حرکت اسلامی درکابل پس از فعالیت های ممتد، دردام دژخیمان کمونیستی گرفتار می شود. و پس از شکنجه های ضد انسانی سروکارش به زندان پلچرخی وشکنجه گاه معروف کمونیست هادرکابل کشیده میشود ولی او بوسیلهٔ دعا ومعنویت قوت قلب خارق العاده ای پیدا کرده و فرار میکند .دوباره به اسارت کمونیست ها می افتد ولی بازهم فرار می کند. او خاطرات خود را به دفتر مرکزی حرکت اسلامی تقدیم داشته است که مجلهٔ استقامت بادرنظرداشت مسایل امنیتی ووضع مجله به نشرقسمتی از خاطرات این عزیز دلیر وسرباز اسلام می‌پردازد ومطالعه‌ی آن برای مجاهدین ما توصیه می‌شود

۱ـ تعداد زندانیان :

در حدودبیست وهفت هزار زن ومرد مسلمان درزندان پل چرخی و در حدود هشت هزار در سایر اماکن شهر کابل زندانی واسیرروس ها می باشند که هرکدام به عذاب های گوناگونی گرفتارند و از جملهٔ اینان صدها نفراز زنان ومردان از مجاهدین حرکت اسلامی میباشند

۲ـ فعالیت زندانیان مسلمان :

چون زندانیان اعتقاد دارند به‌خاطر اسلام‌وقرآن زندانی واسیر شده اند واینهمه عذاب وشکنجه را برای حمایت ازقرآن متحمل می شوند لذا لازمست به‌کسب مزیدآگاهی یافتن اسلامی‌وآگاهی دادن‌مشغول شد، لذابرادران باضعف امکانات فرهنگی ومراقبت شدیدجلادان به تعلیم وتعلم تجوید، قرائت قرآن ،صرف ونحو، تفسیر، مسایل‌فقه وامثال آن می پردازند ودراین راه فداکاری عجیبی‌دارند وگاهی به خاطراین فعالیت‌ها به تنبیه جسمانی محکوم می شوندولی ازادامه کار خود منصرف نمی شوند.

۳- خلقی های زندانی :

خلقی های خوردوریز (افرادمعمولی آنان) با برادران مسلمان مادربلاک ها زیرنظر ځارندوی زندانی هستند ولی رده‌های بالای آن زیر نظر اطلاعات زندانی اند . در بلاک دوم در حدود "نودو پنج" نفر از آنان زندانی بودند ومن جمعی از آنان را دیدم منجمله رشید جلیلی وزیرتعلیم وتربیه وخیال محمدکتوازی وزیراطلاعات که در بلاک دوم بودند. هنوز در باره قیدی (تعیین مدت حبس) آنان تصمیمی گرفته نشده‌بود، هر چندکه از آنان ظاهرا" تحقیق به عمل آمده بود.

۴- نقش روسها :

سئوالاتی که ازاسیران به‌عمل می‌آمد، توسط روسها طرح می شد و توسط مزدوران افغانی ازگرفتارشدگان اسیر استنطاق به‌عمل می‌آمد ولی هرکس به نظرروسها مهم می‌آمد اورا برای تحقیق حتی به مسکو می بردند، مثلا" قوماندان قدوس (مشهوربه‌قدوس کلا زمزارشریف) را برای تحقیق به روسیه بردند وپس از تکمیل تحقیق اورا به کابل آوردند (تعیین جزا (اعدام ومدت زندان) بدست روس ها است که درمحکمه حاضرند ولی دراطاق محکمه جلو نظرمحکوم حاضرنمی‌شوند.

۵- روش اقرارگیری :

برای تحقیقوبدست آوردن اطلاعات ازمتهم اسیر، مراحل پنجگانهٔ را موردعمل قرارمی دهند.

اولا" می‌گویند، اقرارکن از طرفداران مابوده‌ای، ازروی اشتباه با مجاهدین مسلمان همکاری کرده‌ای .وآنان تراجبرا "واداربفعالیت کرده اندودیگربه تکرارآن نمی پردازی، به‌خودوفامیل خودرحم‌کن ، دراین مرحله برای اطلاع پیداکردن باچرب زبانی وحیله‌گری‌برخورد می کنند.

ثانیا " درفرض عدم موثر بودن مرحله اول ، به‌زدن وکوبیدن ، کم خوابی وبرق دادن ، انگشت درچشم داخل نمودن ومیزفلزی‌را روی شکم گذاشتن وفشاردادن آن ، بیک پاایستاده‌نمودن وتاچندفیصد محدود از شیشه‌کوکاکولا استفاده‌کردن و... از شکنجه‌های بدنی .

ثالثا" ، درفرض عدم موثر واقع شدن این نوع شکنجه‌ها فردمتهم رادر اطاق های یک نفری حبس می کنندکه شب وروزدر آنجا اصلا"

فهمیده نمی شود. وسعت این اطاق ها به طول تقریبا "۱۴۰ سانتی وعرض تقریبا " یک مترمی باشد وهمه ضروریات یک انسان در همین اطاق صورت می گیردومتهم به خارج آن راهی ندارد، فرش اسفنجی خواب که برای متهم‌که دراطاق مذکور است اگر فشارداده‌شودآب از آن بیرون می ریزد ودراین اطاق ها محبوسین رادر فشارهای روحی عجیبی قرارمی دهند (مدت حبس دربین اطاق ها ازیک هفته‌ودوهفته و یکماه گرفته تا یک سال ویا بیشترتعیین می شود. ودراثنای مدت ، مکررا " از محبوسین می‌خواهند که تنها اقرارباعث نجات می‌شودوبه خود رحم کن همینکه بدانیم تو از ماهستی دیگر کاری‌به‌تو نداریم!

رابعا " اگرازاین مرحله‌هم چیزی بدستشان نرسید، فامیل متهم راحاضر ومتهم راتهدید می‌کنندکه اگراقرارنکنی فامیل ترا چنین وچنان می‌کنیم واقدام هم می‌کنند.

به‌نظرمن ،موفقیت رژیم ،دربدست آوردن اطلاعات از متهمین و به انحراف کشاندن آنان دراین مراحل چهارگا ۲۰% (بیست درصد)بوده و خطرعمده درمرحله پنجم است که بایدموردتوجه مجاهدین عزیز ما قرارگیرد.

خامسا " ، افراد آموزش دیده وباتجربه خودرادر اطاق های دو نفری ، چهارنفری ، ده‌نفری ، بیست نفری و ...جاداده متهم‌رابآنجا می‌برند، اوخیال می کند که افرادساکن در اطاق همه مانندا وزندانی ودشمن رژیم اند. این مزدوران باکمک های مالی به متهم‌واظهار همدردی واینکه نباید اسرارخودرا به‌کسی بگوئی که‌درمیان افراد موجوده ،جاسوس وجوددارد توجه‌متهم را به خود جلب می‌کنند، بعضی ازاین مزدوران به‌مُتهم محبوس به‌دروغ می‌گوید:من خود قوماندان فلان جبهه بودم ،چندین تخریب وانفجار راصورت دادم ،راه‌راه‌اسلام است . مسلمان باید ازهمه چیز خود بگذرد ، زحمتی که‌از کمونیست ها دیده‌ای نبایدروحیه ترا خراب کند .دراین جااست‌که مجاهدمسلمان لب به سخن گشوده ومی‌گوید: من همچنین وچنان کردمو...قضیه تمام می شودودرجلسه دیگر مسؤول تحقیق که توسط مزدورانش از ماجرا اطلاع یافته همه چیزرا برای متهم‌بیان می‌داردواو وادار به‌اعتراف می کند.

گاهی هم اطاق های جاسوس به مجاهدین مسلمان می گویند:
کمونیست ها منزل شما را تفتیش دقیق می‌کنند لذا اگر اسلحه یا اسناد وکارت را جایی پنهان کرده باشی من در بیرون طرفدارانی دارم می توانم که به آنها پیغام دهم که آنها را بیرون آورده در جای مامونی پنهان سازند، آنها خودرا دوست صمیمی مجاهد معرفی می‌کنند، مجاهد هم فریب نیرنگ های آنان را خورده ،محل اسناد ویا اسلحه خود را اگر داشته باشد می‌گوید، آنوقت است که مجاهد مجبور می‌شود اقرار کند وباید همسنگران مسلمان وجان نثاران اسلام را به ملحدین روسی و کمونیستان افغانی معرفی کند.
آه که چه خیانت وحشتناک وعمل پلید!
من ازمجاهدین عزیز توقع دارم به سخنانم که ازروی تجربه و آگاهی نوشته شده ، دقت نمایند .تا اگرخدای نخواسته روزی گرفتار شوند ازجریان کار اطلاع دقیقی داشته باشند.
توجه،توجه :
قهرمانان حرکت اسلامی افغانستان که بزرگترین فعالیت های جهادی درکابل را به عهده داشتند درسال ۱۳۶۲تا آخرآن به سرعت اقدامات خودعلیه دشمن افزودند، گاهی یک گروپ ازگروپ های ما دریک روزتا سه‌ترور راانجام می‌دادند ورژیم‌را بیچاره کرده بودند روزی مستنطق (دراثنای تحقیق واستنطاق ازمن) می‌گفت : ما نمی دانیم که باشما چکار کنیم وبا گرفتن یکی ازافرادشما ازمحل سینما پامیر فکر می کنیم چندی نفس راحتی بکشیم که فورا "جنگ از سینما پامیر به‌پل باغعمومی میرسد ومجاهدین حرکت اسلامی آنجا به ما ضربه می زنند، راستی آنقدر ترس وجبن برمزدوران رژیم روسی مستولی شده بود که روزها از شعاع ۲۰ کیلو متردورترنمی شدند و شب ها خواب راحت نداشتند. ولی چون این سرعت با دقت واحتیاط کافی همراه نبود جمع زیادی از برادران ما به‌زندان افتادند و درسال ۱۳۶۳ دولت تاحدی نفس راحتی کشید (البته این نظریه شخصی نویسنده است.)
برادران ما باید ازگذشته پند وعبرت گرفته دقت واحتیاط را از سرعت درعمل جدا نسازند تا با تلفات کمتر، ضربات کوبنده‌تری را (خصوصا "در سال جدید) برپیگر رژیم‌فرسوده‌ی روسی‌وا ردسازیم.

۶ـ غذای دستگیر شدگان :

در دوران تحقیق واستنطاق ، غذای متهم بدنیست ، مسوول تهیه غذا دراین مدت افرادبلغاریایی می باشند ، ولی شکنجه های این دوره بسیار طاقت فرسا وجانگدازاست . ولی درزندان که تهیهٔ غذا بدوش روسهااست ،خیلی خراب ونامطلوب است ، گاهی به زندانیان رسیدهـ گی نمی شود وزندانی مجبوراست خودبه تهیه وطبخ غذا بپردازد که به مشکل پول مبتلامی‌شود ، لذا برادران ما بایدازکمک رسانیدن به عزیزان زندانی خودغافل نباشیم ،وحتی به منظور جلوگیری عایله های آنان از انحراف باید به خانواده های آنان نیز رسیدگی کنیم .

۷ـ ساختمان زندان پل چرخی :

اطاق هاوسلول های آن به شکل هشت ضلعی منظم درچهارطبقه درست شده که صحن هر پلاک به شکل مثلث می باشد ، این طبقه‌ها دریک سمت به شکل چهارپنجره بزرگ مانند قفس مرغ بناء شده‌است ، واطراف آن ها راهروی وجود دارد که گاهی زندانیان درآن گشت وگذر می کنند سمت دیگرآن یک یک پنجره دارد ولی سمت اخیرآن اطاق های چهار ـ نفری ، مقابل آن یک دهلیز بزرگ قراردارد .

درهریک بلاک های هشتگانه تقریبا " سه‌هزارزندانی راجای داده اند وبلاک اول ودوم خارج از محوطه می‌باشد تقریبا " یکهزار زندانی در پلاک اول ودوهزار دربلاک دوم سکنی دارندکه مجموع زندانیان تقریبا "به (۲۷هزار)نفرمیرسند"

۸ـ داستان نگارنده :

آقای ..... نفربالای من که مسوول ...... بود دستگیرشدو در اثر اعترافاوخانه ی محل اجتماع ما محاصره وبنده‌هم‌دستگیر شدم که داستان آن درازاست .

ششماه ازمن تحقیق شد به‌این صورت‌که درماه‌اول درهر ۲۴ ساعت دومرتبه ازمن پرس وجو می‌شد وگاهی یک مرتبه ، درماه دوم وسوم در ۴۸ ساعت یک مرتبه وبعدتاآخرمدت ، هفتهٔ یکبار ،سپس تحقیق مستقیم ازمن متوقف وخودآنان به تکمیل دوسیه (پرونده) می پرداختند . پس از ۱۳ ماه مرا محاکمه کردند وقاضی مزدورمرا به ۱۲ سال زندانی محکوم نمود !

۱۶ ماه‌در زندان بودم که مریض شدم ومرا به شفاخانه (بیمارستان)

پل چرخی منتقل کردند وپس ازتداوی مرا به شفاخانه دوصد بستری ځارندوی بردند که چون درپرونده ام عنصرضدانقلاب نوشته بودند مرانپذیرفتند وبه زندانم عودت دادند ولی مرضم شدت گرفت که مجبور شدندمرا به شفاخانه پلچرخی رجعت دادندوپس ازرهایش۵۲روزدر آن جا مرا به شفاخانه علی آباد جهت عملیات بردند که به‌کمک برادران زمینهٔ پذیرشم درآنجا فراهم شده بود بناء بود روز ۹ ثورعمل جراحی برمن صورت گیردکه‌در۷ثور (سیاه‌ترین روزدرتاریخ معاصر جهان اسلام)قبل ازطلوع‌فجر لوله‌ی سرم‌که برای تزریق به من آورده بودند به دروازه تشناب ازداخل بستم وتکه نیمه‌روجائی‌رانیز در چوکات بستم .جالی چوکات راپاره کردم واز آنجاخود رابه منزل پایین انداختم و (بیراهه) از پوزه‌کوه به‌طرف جاده سیلو فرار کردم .قابل یادآوریست‌که دو سرباز ویک بریدمن محافظ ونگهبان من در بیمارستان بودند وشب ها موقع خواب دست های مرادر تخت خواب وُلچک (زنجیر) می کردند. دراین آخرهای شب به محافظ اطاق گفتم که به سرباز نگهبان من بگوئید دستهایم را برای وضوبازکنند که آمدودست هایم راباز‌کردومنهم تشناب رفتم‌واز آنجا به‌طریقی که گفتم فرارکردم .

فرارمن ازدست دژخیمان ازنوادر است‌ولی من همیشه (وتا کنون) این آیه های قرآن رامی خوانم واز خداوند استمداد می‌طلبم.

۱ـ آیه‌ی (ادعونی استجب‌لکم) .

۲ـ آیه‌ی (فلنعم‌المجیبون)

۳ـ آیه‌ی (والذین جاهدوا فینا لنهدینهم‌سبلنا و ....).

پس از فرار، فامیل مرا بازداشت‌کردند، اقارب مرا شکنجه وعذاب دادند ولی به‌من دست‌نیافتند وپس ازمدتی‌آنان رابه قید ضمانت رهاساختند. خانه مادرکابل محاصره بودمن ده‌روزدر جای دیگری پنهان بودم وبه‌خانه‌ی خودنرفتم . روزیازدهم باآمادگی قبلی توسط تاکسی تاپل خشک دشت‌برچی رفتم وازآنجا بانابلدی‌مطلق وناآشنائی روانه قلعه قاضی شدم وخانه‌ی یکی از دوستان را سراغ می گرفتم تابه یک کارگر برخوردم وبناء شداو مرابه‌آن خانه‌برساند که دراین هنگام دوسرباز مسلح به‌ما رسیدند وازمن نامه‌وجوازعبور خواستند، گفتم من ازغزنی برای تداوی آمده‌ام ،اسنادم گم‌شده مرا

گرفتند به پسته‌ی آنجا بردند نام خودرا چیز دیگر گفتم از آنجا توسط افراد مسلح مرا به ماموریت دشت برچی بردندو پس ازیک تحقیق کوتاه مرا به حوزه ششم فرستادند که در آنجا عکس های من وجودداشت و از همه کارمن باخبربودند ومرگ قطعی در انتظارم بود، آمرخاد با یک صاحب منصب موظف شدند مرا به حوزه مذکور ببرند، بین این دو نفر درباره اینکه به تکسی بروند یا به سرویس، گفتگو بودمن مریض وناتوان وبی‌حال بودم وفقط دومترا ز آنها فاصله داشتم به خودتلقین زیادی کردم که فرارکنم وبا ولیای خدا توسل جستم که مرا یاری کنند تمام شیروی بدنی خودرا جمع کردم وبسوی کوچه تنگی که درنزدیکی من بود بدویدن شروع کردم از آن کوچه به کوچه دیگررفتم ودر همین اثناء دیدم یک در منزل باز است وداخل منزل شدم ازخواهری‌که آن جا بود خواهش کردم مرا پناه دهد ،دزد نیستم ازدست دژخیمان ببرک فرارکرده‌ام آن خواهرمرا پناه داد وبه نماز ودعا مشغول شدم که دوباره به چنگ مزدوران گرفتار نشوم .

شب ، شوهرزن آمد وداستان مرا ازربان زن مومنه اش شنید وبسوی من آمد با من مهربانی کردو پس از صرف شام شبانه ازخانه وخارج شدم که دراثنای راه بدست چندنفرمسلح دیگر گرفتار شدم واز من پرس وجو می کردند وبه چندجا مرا بردند ودراخیرکار، گمان پیدا کردم که افرادمسلح ازمجاهدین می باشند : درآخربه من گفتند اگرحقیقت را نگوئی کارت یکسره می شودمنهم جرئت کرده اصل قضیه را گفتم معلوم شد که آنها هم ازبرادران ما هستند، مرا به خانه ای تحویل دادند و سفارش کردندکه مرا از منطقه خارج کنند، همان شب ازطریق کمپنی به چهل تن واز آنجا به جاده سفالت مرا رساندندوسپس دریک ماشین سنگ کشی پنهان شده از چند پسته ردشدم ودرمنطقه ارغنده ازماشین پیاده شدم وخودمرا به پایگاه جهاد (۱۴) حرکت اسلامی در بهسود رسانیدم وبحمدالله آزادشدم.

شهادة رئیس مذهب تشیع خونین امام صادق ع بر مسلمانان تسلیت باد



مصاحبه بایک شیر زن کابل

مصاحبه بایک شیرزن کابل

ضمن تشکر از آمادگی شما جهت مصاحبه، اولین سئوال ما اینست که لطفا" انگیزه‌ی مسافرت تان را به جمهوری اسلامی ایران بیان دارید ؟

جواب ـ بنام خدا وبا درود برروان مطهر شهداء وبیروزی رزمندگان اسلام وآزادی بیت المقدس وکربلاوافغانستان .

چون عده‌ای از اعضای فامیلم نسبت تعقیب دولت مارکسیستی به ایران مهاجرشده اند ،آمدم تا از آنان خبرگرفته ودوباره برگردم .

سئوال ـ قرارمسموع شما زندانی هم دارید ،لطفا" بفرمائیدکه چند نفر ازاعضای فامیل شما زندانی اند؟

جواب ـ خدا راسپاسگزارم که به من فرزندانی عطا نموده که همه‌شان مسلمان بوده ودر راه‌دفاع ازاسلام مبارزه می‌نمایند ،فعلا" سه فرزندم به علاوه‌دونفر از اعضای خانواده‌ی ما بجرم حراست ازاسلام ومبارزه علیه کفر در زندان به سرمی برند.

سئوال ـ آیا تاهنوز موفق به ملاقات فرزندان تان ،درزندان شده اید ؟

جواب ـ قوانین فعلی زندان پلچرخی چنین است ، که فامیل نزدیک زندانی فقط در دوهفته یکبار می تواند زندانی خودرا ملاقات نماید. ازینرو من جهت زیارت فرزندان اسلام وفرسایان آزادی با وجودیکه مریض وضعیف نیز هستم در دوهفته یکبار مشرف می‌شوم.

سئوال ـ لطفا" از نحوهٔ برخوردمامورین زندان برای خواننده گان مجله چیزی بیان دارید؟

جواب ـ از کفار ودشمنان اسلام ما توقع اخلاق نیک نداریم تا

راضی باشیم . آنها مانند وحشی بر مسلمانها حمله می‌کنند از فحش و بداخلاقی گرفته تا سیلی ومشت ولگد ، کدام عمل این فرزندان ناخلف افغانستان نیک بوده که رویه شان با اقارب محبوسین نیک باشد.

سئوال - آیا در طول رفت وآمدهای تان ،خودشما تا هنوزمواجه به بداخلاقی آنها شده اید؟

جواب - برادردها وخاطراتم از این وطن فروشان زیاد است ، که یکی از آنها را به شما بازگومی‌کنم.

روزی یکی ازین مزدوران ازمن پرسیدبه‌کدام بلاک می‌روی تا گفتم به بلاک نمبر ... گفت بلی : خوب اشرار سرسخت تربیه نموده‌ای به شدت جواب دادم که اشرارشما هستید که خاک ووطن ما را به دشمن داده اید. سیلی محکمی به رویم کوبید.افتادم ونفهمیدم که چه شد بعداز لحظه‌ای از جا بلندشده وحرکت کردم ،صورتم رابه‌آیینه نگاه کردم دیدم رویم به اثرشدت ضربت کبود شده‌بود ،برگشتم خواستم مرتبه دوم برسرآن رذیل وطن فروش فریادبزنم ، مظلومیت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به‌یادم آمد، باخودگفتم تو ازحضرت زهرا بهتر نیستی ، زهراجان شاهد باش که‌مزدوران روس ، صورت یکی از رهروان راهت رانیز نیلگون نموده است.

سئوال - مادر، بزرگ ، شما اثر شکنجه‌را بروجود فرزندان خود و یا سایر محبوسین مشاهده‌کرده‌اید؟

جواب - بعداز گریه گفت : یکی از برادران حرکت اسلامی را دیدم که دوناخن دست راست ودوناخن دست چپ اوراکشیده بودند ودر اثر برق وشکنجه اعصابش راازدست داده بود من اورا قبل‌اززندانی شدن هم‌می‌شناختم ،او،معلم انقلاب والگوی ازطهارت ومعنویت بودوجود وی برای جهت دهی فرزندان مسلمان ،خیلی مفیدوموثربودکه متاسفانه اودیگرنمی تواند همان انسان پرتلاش قبلی باشد.وعده‌ی زیادی را دیدم که ناخن دست وپای شان راحین شکنجه‌کشیده بودند.

سئوال - چه‌نوع زنانی به‌زندان مراجعه‌می‌کردند؟

جواب - بیشتر مادرانی پیری بودند ،که فرزندان شان در زندان بسر می بردند ودرقدم دوم هم‌زنانی بودندکه به‌خاطرملاقات باشوهران شان دیده می شدند.

تقبیح می شوند ،تمایل آرای بین‌المللی علیه روسها دراشغال افغانستان درطول تاریخ نظام مارکسیسم روسی بی سابقه است .روسها می‌خواهند با بیرون رفتن ازخاک افغانستان با این رسوایی خود خاتمه دهند ، وبزعم خودشان کاری کنند که هم لعل بدست آید وهم یار نرنجد !

ثالثا ،حضور سربازان روسی در افغانستان ،ماهانه چند میلیون دالر مصرف دارد که اقتصاد ناتوان روسها را خواهی نخواهی تحت فشار قرار می دهد ، توازن اقتصادی تقاضا دارد روسها به این مصرف گزاف پایان دهند .

رابعا ، ازحریفان غربی خود درمقابل بیرون رفتن از افغانستان امتیازات سیاسی دیگری در مناطق دیگر ویا درموضوعات دیگر موردنظر خودبگیرند .

خامسا ، درفرض پیروزی مسلمانان ازآبرو ریختن بیشتر خود به ادعای اینکه جنگ میان خود افغانیها است وغالب ومغلوب به خود آنان مربوط است ،نه بروسها جلوگیری کنند !

بالاخره روسهائیکه برای همیشه به افغانستان آمده بود ، وداشتند جاخوش می کردند ،که فداکاری ومقاومت اسلامی مردم غیور ومتدین ما آنان را به تغییر تصمیم مجبور ساخت وآنان چاره ای جز بیرون رفتن از جور نموده با اراده جدی برسر دشمن زبون بتازیم تا کار را هرچه زودتر یکسره نماییم .دراین مرحله ما بیشترین نیاز را به اتحاد وهماهنگی وانسجام وتشدید عملیات نظامی و فعالیت های فرهنگی داریم والله الموفق وهوحسبنا ونعم الوکیل .

سرزمین اسلامی ما چه امروز وچه فردا ندارند ، وانتخاب نحوه فرار بخود آنان ارتباط دارد ،تا شرافتمآبی فرار خودرا تشخیص بدهند !!

ب بقای رژیم

ولی این نکته هم روشن است که روسها آنچنان هم سراسیمه ومضطرب نیستند که درموضع فرار عقب سر خود را هم نگاه نکنند وآنهمه تلفات وضایعات وخسارت های مادی و رسوائیهای معنوی وسیاسی را نادیده بگیرند ، ومقاصد اولی خودرا فراموش نمایند وبدین ترتیب نه تنها آینده اروپای شرقی مستعمره خودرا به مخاطره اندازند که بدست خود آینده جماهیر با صطلاح متحد شوروی را درمعرض تردید ومورد سئوال قرار دهند وزمینه برگشت ترکستان را به آغوش جهان اسلام مهیا سازند .

قابل تردید نیست که روسها با تمام پشیمانی وندامتی که ازتجاوز به خاک ما دارند ،درموقع فرار نمودن ،بقای رژیم مارکسیستی وابسته بخودرا ازنظر دور نخواهند داشت وتا حد ممکن تلاش میکنند



شب سیاه ستم

شب است ونور خفیف ،ستاره می بینم
ستاره دردل شب ، بی شماره می بینم

زگونه ام همه دم ، اشک تازه می غلطد
درون سینه ی خود ، صد شراره می بینم

رسیده ام به مقامی که جمله درد شدم
شب سیاه ستم را ، دوباره می بینم

نهفته دردل خونین من هزار سخن
دلی که سخت تر از سنگ خاره می بینم



صفیر غم زبلندای شب به گوش رسید
زجای خیز ، که مرگ ستاره می بینم

به کهکشان فلک سرکشیده لاله ی خون
هزار کشته به نیمی نظاره می بینم

عجب به مسند قدرت نشسته روبه ی لنگ
تن هژبر ژیان ،پاره پاره می بینم

شب است وضجه وفریاد بسته گان ستم
زپشت میله ی زندان ، هماره می بینم

فروغ چهره ی زیبای دوستان شرف
زگردباد فلک ، پرغباره می بینم

شگفت آنکه به مرگ دلاوران وطن
هزار دهل وشرنگ ، نقاره می بینم

پیاده ره به مشقت رود همای خرد
ولیک بی خردان را سواره می بینم

فتاده در دل خاک سیه ، عقیق یمن
بهای مهره ی خر بی شماره می بینم

شب است ومن جرس اشتران قافله را
نشانه ای ز رجوع ، دوباره می بینم

(قم ، جاوید ۶۴/۶/۱۶)



دافغانانو پاڅون

وکړه افغانانو قیام مړوان مخ په سنگر دی
زموږ غورپه داور دی
تولو دنبی امت پیرو دخپل رهبر دی
زموږ غورپه داور دی
تولو پاڅیدلی دهرات تر بدخشان دی
بلخ دی که بامیان دی
په ټینگ عزم ولاړ یو زموږ شعار الله اکبر دی
زموږ غورپه داور دی
جنگ دی په کابل او په پغمان او چهاریکارکی
په لوږ یا لاحصار دی
جوړه قتلگاه دشوروبانو په لوگر دی
زموږ غوږ په داور دی
هسی ماتی ورکړه سوه پکتیا کی شوروبان ته
رسوا شوه تولو جهان ته
پنجشیر کی تل شرمیږی هلته صدا سکندر دی
زموږ غورپه داور دی
تول افغانستان کی نن جهاد هسی روان دی
هرگودکی طوفان دی
تولو په قاطع تصمیم دافع دخپل کشور دی
زموږ غورپه داور دی
مات به شوروبان کړو که هرڅه اهر قدرت وی
که څه هم لوی طاقت وی
دا موعقیده ده زموږ پیشوا خیرالبشر دی
زموږ غورپه داور دی
خدا به په خپل فضل د"غمجن"حاجت روا کړی
زموږ دشمن فنا کړی
دوا په لاس می پورته په دوعا د ستا په در دی
زموږ غورپه داور دی

(شعر دقاری غمجن)

سئوال ـ معمولا" چه طبقه از مردان را درزندان مشاهده کردید؟

جواب ـ اکثرا زندانی ها ازطبقه جوان هستند ،اما درآن میان روزی چشمم به پیرمردنورانی افتادکه باغرور وسربلندی دربین سایر زندانی ها باقامت برافراشته چون"حبیب ابن مظاهر"قدم میزد، که گفتند اورا پانزده سال زندانی نموده اندوسیزیک بلاک مملو از کودکان نابالغ بود که قلب هربیننده را متالم می ساخت .

سئوال ـ چه خاطره ای از زندان دارید ؟

جواب ـ ازعقاب های بلندپرواز کوی عشق ، خاطره های زیاددارم روزی از پسرم در رابطه بااطفال خوردسال وجرم شان پرسیدم به من گفت : جرم همه ی شان بم گذاری درمراکزدولتی وسهم گیری در عملیات چریکی ودفاع ازاسلام عزیز بوده است وافزودکه سه نوجوان بین سال های ۱۲ـ ۱۳و۱۴ ساله ازیک خانواده زندانی است که چهار طفل کوچک دیگر درمنزل داشته وسرپرست ندارند .پدرش رانیز نظام مارکسیستی شهیدنموده ،این سه طفل از شستن لباس های زندانیان پول گرفته وآنرابه فامیل اش میفرستندووقتی مادرشان بدیدارآنها می آید باشهامت وشجاعت به مادراطمینان میدهندکه گرچه رازقخداوند است ولی مادر تهیه ی نفقه شماکوتاهی نمی نمایم وآنچه برای من خاطره جاودانی است روح بلند، آزاداندیشی وآزادمنشی قهرمانان توحید است که باتمام شرایط اختناق زندان قهرمانانه درمسیر انقلاب ایستاده اندووقتی اقارب ودوستان خودهارامیبینندتوصیه به استقامت فداکاری وتلاش مینمایند نه تنها دشمن نتوانسته که آنها راازمبارزه خسته نمایدکه برتعهد جدیت وتلاش آنها افزوده شده است که اعتصاب چند مرتبه آنها علیه قوانین مزخرف زندان بیانگراین حقیقت است.

سئوال ـ مادرمحترم، نسبت زندانی شدن فرزندان عزیز تان را فعلا" چه احساس مینمائید؟

جواب ـ فرزندانم امانت خداواز خدابودندوخداوندراسپاسگزارم که در راه خدازندان شده اندواگرتمام فرزندانم در راه خدا**قربانی**شود افتخار نموده وآن راعزت برای خودمیدانم وهمین اکنون دخترانم به من گفتند تا به شما بگویم که آنها نیزآماده سهم گیری درجهادمسلحانه شده اند واز شما تقاضا دارند که هرچه زودتر گروپ اعزامی خواهران

بقیه درصفحه (۵۵)

لحظات انتخاب

برادرمهاجرمیرمسعود ازمشهدمقدس

آمدن استعمار ضد دین ودیانت واستقلال ،آزادی وحریت و بر- افراشته شدن پرچم کفر و شرک و الحاد درکشور ، هرچند باعث بر- هم زدن نظم اجتماعی و پراگنده شدن ارزشهای انسانی شد ،که اثر شوم ومنفی آن چون آتش سراسر زندگی مردم را سوزاند .

اینجا وزهرچند ویرانی خانه ها وکشتن فرزندان راستین و مسلمان ومهاجرت بالاجبار میلیون ها انسان انجامید ،ولی از طرف دیگر این پدیده باعث بیداری و تحرک وقیام مسلحانه ی ملت ما و آمادگی دیگر ملل جهان دربرابر کمونیسم جهانخوار وباصطلاح مدعی دروغین صلح وحقوق بشر گردیدکه این خود در میان جنبش های آزادیبخش ونهضت های اصیل اسلامی افغانستان توسط رژیم فاشیستی روس ، شعله های احساسات آزادی- خواهی درسینه ی فردفرد وطن- دوستان زبانه می کشد ،تاجائیکه مردم مسلمان ما توانایی دارند ، با عزم متین واراده ی استوار [illegible] اندیشه ی انحراف ناپذیر واسلا[illegible] راستین به خدا ودست وقوا[illegible] برابر کفرستیزه جو ودشمنا[illegible] و آزادی مردانه ایستاده و[illegible] می کنند ، وهزاران [illegible] رحم را مردار کرده وخسارات [illegible] مادی بر پیکر اقتصاد [illegible] وسیاه دل خصم وارد می کنند ، که این خود نمایانگر [illegible] لشکر حق برسپاه باطل وجنود [illegible] بر جنود طاغوت است .

همزمان باآمدن استعمار سرخ درکشورما ، قتل وغارت وکشتن و زندان وترور وانواع شکنجه ها [illegible] خرابی کاشانه های مردمان [illegible] وبه آتش کشیدن اموال و [illegible] نیرو وعرق جبین کارگران ودهقا[illegible] نان وطبقه ی فقیر وبی چیز آغا[illegible] می شود ، آنانیکه درمکتب [illegible] وبی محتوای خود ، خویش [illegible] طبقه ی کارگرومحروم [illegible] کنندوصدای صلح خواهی ومردم [illegible] وهمزیستی مسالمت آمیز [illegible]

وغرب بلند است ،می‌بینیم که چه رندانه تمام حقوق وآزادی های طبقه‌ی کارگروضعیفان را پامال کرده وحتی درصورت مخالفت از ریختن خون آنها نیزا بایی‌ندارند آنها برای استقرار دیکتاتوری مارکسیستی شان درکشورها جز به قدرت رسانیدن عده‌ی مزدور گوش به فرمان وتوسعه‌ی سرزمین و افزودن مستعمرهٔ تازه وتضمین و تعمیم منابع تولیدواستفاده از تمامی نعمات مادی ومعنوی برای خود شان ودردست داشتن مناطق وسر زمین های استراتژیک ، جهت پیشبردپلان های شوم‌آینده شان هدف دیگری ندارند.

راستی ارمغان کمونیسم‌درهرکشوری جزبدبختی وسیه‌روزی وسلب‌آزادی وازبین بردن کلیه‌حقوق ومزایای انسانی ، چیزی دیگری است ؟ و چه‌خوشبختندکشوروملتی که‌گرفتار این هیولای وحشت وخون نگردیده اند.

اکنون ودرچنین زمانی که در جای جای کشورما چوبه‌های دار و نوک برجه‌ی روسها ،به‌خون عزیزان ما رنگین است وسیاه‌چال ها از اجساد برادران مسلمان ما ، مالامال ولبریزوهر روز آزادی خواهان مسلمان با شمشیرهای باطل سر بریده می شوندوسینه‌های راد-مردان آماج تیر زهرآگین وسوزناک خصم متجاوزاست وصدای حق و راستی درفضاء وحلقوم ها خفه‌می-شود .بی شک درچنین لحظات است که تاریخ شکل می گیردوارزشها زاده‌می شوند ونیروی ایمان اوج می گیردوخون ها غلیان می کند و احساس های پاک به‌انفجار می آید وحماسه نطفه می بندد.

لحظات تردیدوانتخاب و مرگ وهستی وبودن ونبودن و رنج و آسایش وجلادشدن‌وانسان شدن است.

آری لحظات انتخاب است وباید درین گذرگاه‌به‌تماشا ننه‌ایستیم که از قافله‌ی آزادگان ورستگا-ران عقب خواهیم ماند ،بایدبخاطر دین خدا ودین مستضعفان‌واستقرار عدالت وسرکوب کردن ظلم‌و تجاوز تجاوزگران بپاخیزیم‌وبا فریاد الله‌اکبر وشعار لا اله الا الله بر دشمن بشریت وانسانیت بتازیم‌تا کشور آزاده وعزیزمان راازوجود پلیدان کمونیست ومزدوران‌گمراه آن پاک وآزادسازیم .تا باشد که روزی بیرق اسلام وآزادی وعدالت در سراسرگیتی به‌اهتزاز آید.

به‌امیدپیروزی ونصرت حق بر باطل وغلبه‌ی مسلمانان بر کفار متجاوز وبه اهتزازدرآمدن پرفش اسلام در سراسرجهان به رهبری شایستگان وبرگزیده‌گان حق .





سوغات‌های رژیم کمونیستی روسیه :

– از راه کودتای مسلحانه ، حاکمیت را دردست گرفت .

– مجلس موسسان را منحل کرد .

– دربرابر آلمان که درآن روزگار دشمن مشترک ما بود ،تسلیم‌شد .

– بدون استفاده از دادگاه ها ، ازطریق کمیته‌ی فوق‌العاده (چکا) به خودسری وتصفیه حساب دست زد .

– اعتصابات کارگران را سرکوب کرد .

– روستا ها را به صورتی بیرحمانه غارت‌کرد وکار را به‌قیام‌روستا – شیان کشانیدوهنگامی که قیام روستائیان درگرفت ،آنرا به‌شیوه‌ای شقاوت‌آمیز وخونین ، درهم کوبید .

– کلیسا را منهدم کرد .

– بیست استان کشور را به قحطی نابود کننده‌ای گرفتارکرد . این حادثه ، قحطی مشهور ناحیه‌ی ولگا به سال ۱۹۲۱بود .

این سیستم بودکه نخستین‌باردرجهان اردوگاه های اجباری را پدید آورد .

– این همان رژیمی بودکه درسده‌ای بیستم برای نخستین بارسیستم گروگان گرفتن را پایه نهاد . دراین سیستم کسانی که تحت تعقیب نیستند ، از جمله خانواده ونزدیکان متهمان بازداشت وتیربارا ن می شوند .

سیستم گروگان گرفتن وبازداشت خانواده‌ها هنوزنیزبرقرار است این شیوه هنوز هم عمده‌ترین وسیله برای تعقیب متهمان است .از این رواست‌که متهورترین انسان هاکه باکی از نابودی خویشندارند از تصور خطری که خانواده های آنان راتهدیدمی کند ،بر خود می لرزند .

- این سیستم بودکه نخستین بار ، پیش از حاکمیت هیتلر وبراستی سال ها پیش از ظهور هیتلر ، اعلامیه های دروغین مربوط به معرفی وثبت نام را پدیدآورد واشخاص را موظف می‌کردکه برای معرفی وثبت نام درمراکزمعین حضوربهم رسانند. ولی همینکه اشخاص خودرا معرفی می کردند، ازهمانجا یکراست عازم قتلگاه می شدند. ما درآن روز ها هنوز ازتکنیک پیشرفته برخوردا رنبودیم

- این سیستم بودکه با فرمان های خود، ازجمله فرمان زمین ، فرمان صلح ، فرمان تاسیس کارخانه ،وفرمان آزادی مطبوعات ،زحمت کشان را فریب داد وگمراه کرد.

- این سیستم بودکه همه‌ی احزاب موجود، جزء حزب کمونیست رابه نابودی کشانید ومنهدم کرد.

خواهشمندم توجه فرمایید. این سیستم تنها احزاب را ساقط ونابودنکرد، بلکه همه‌ی اعضای آن حزب را محوونابودکرد.

- این سیستم بودکه به انهدام دستجمعی روستائیان پرداخت و پانزده میلیون روستایی را به کام مرگ ونابودی کشانید.

- این سیستم بودکه اصول بردگی روستائیان ونظام سرواژ را زیرعنوان "رژیم‌شناسنامه" برقرارکرد.

- این سیستم بودکه به‌هنگام صلح دراوکرائین ایجادقحطی‌مصنوعی کرد. شش میلیون نفر دراوکرائین ، این سرزمین اروپایی ،بدسال های ۱۹۳۲-۱۹۳۳ ازشدت گرسنگی جان سپردند. آری شش میلیون نفردر اروپا مردند .ولی نه‌اروپا ونه جهان ، ازاین فاجعه آگاهی‌نیافت.

خونخواری مارکسیسم :

این ارقام را مشاهده کنید. بنابرمحاسبه‌ی متخصصان ودقیقترین آماری که تاکنون بدست آمده‌است ، به‌تقریب حدودهشتادسال پیش از انقلاب روسیه که سال های جنبش‌انقلابی وسوء قصدبدجان تزار وقتل وی بود ، به طورمتوسط سالیانه‌هفده‌نفراعدام می‌شدند .هفده‌نفردرسال! دستگاه تفتیش عقاید (انگیزیسیون) مشهور کلیسا دربحبوحه‌ی‌کشتار های خویش‌که دهها سال به طول انجامید، به‌طور متوسط ماهیانه دد تن رااعدام می کرد. من درکتاب "مجمع‌الجزایرگولاک "ازکتابی که توسط کمیته‌ی فوق العاده‌ی امنیت (چکا) به‌سال ۱۹۲۵انتشاریافت مطالبی نقل قول کردم. درکتاب مذکور، ماموران دستگاه امنیت با

غرور فراوان از فعالیت های انقلابی خویش تا سال ۱۹۱۸ وتنیزدرهمان سال ۱۹۱۸ سخن گفته اند. آنان عذر خواسته اند از اینکه ارقام ارائه شده از سوی "چکا" کامل نیست. درکتاب چنین آمده است: درسالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ همه ماهه بالغ بر یکهزار نفر از سوی "چکا" بدون محاکمه تیرباران می شدند.

این مطلبی بودکه ازسوی "چکا" (کمیته ی فوق العاده ی امنیت) در روزگاری که هنوز به حد بلوغ نرسیده بود ونمی‌دانست تاریخ از آن چه برداشتی خواهدکرد، انتشار یافت. ولی در روزگار شکوفایی ترور استالینی به سال های ۱۹۳۷ – ۱۹۳۸ هرگاه بخواهیم شمار دای اعدام شدگان را به ماههای سال تقسیم کنیم، تعداد قربانیان در هرماه از چهل هزار نفر تجاوز می کند !!!

چنین است وضع ارقام: نخست هفده نفر درسال، سپس ده نفر درماه بعد هزار نفر درماه وبالاخره ماهیانه بالغ برچهل هزار نفر تیرباران می شدند!.

جنایت مشترک:

استالین خواست، آن عده از اتباع شوروی که دراروپا بسر می بردند ونمی خواستند به کشور خویش باز گردند، به دولت شوروی تحویل شوند. کشورهای غربی یک میلیون وپانصدهزار تن از این افراد را به شوروی باز گرداندند.

چگونه این مردم را باز پس فرستادند؟ اینان را به زور دستگیر کردند.... سربازان انگلیسی، آن عده از روسها را که نمی‌خواستند به اسارت استالین درآیند، به قتل رساندند. وباقی مانده را نزد استالین گسیل داشتند، تا همه را محو ونابود کنند. این مطلب تنها در همین اواخر فاش وبرملا شد. یک میلیون وپانصدهزار انسان !



C.I.A

از سیا چه میدانید؟

قسمت ۹

۹ـ سیا واستفاده از مزدوران وعوامل نفوذی :

بسیاری از موفقیت های که سازمان سیا پیدا می کند ، ناشی از فعالیت مستمر ،ماموربن مخفی وناشناسی است که در نقاط مختلف و حساس جهان پراگنده هستند ، واکثرا به مشاغل مهم اشتغال دارند. تعداد ماموربن سیا که تبعه کشورهای خارجی هستند ،دقیقا " مشخص نیست ولی از تاجر ودکتور وکارمند دولتی گرفته تا محصل ودلال و کتاب فروش ورفتگر وصدها مشاغل دیگر را ،کارمندان کارآمد سازمان به خود اختصاص داده اند .

ماموربن چیره دست سیا که مستقیما " بدون واسطه به این سازمان در ارتباط هستند کمتر اتفاق می افتد که درکشورهای خارجی شناسایی یا دستگیر شوند واغلب کسانی که به عنوان جاسوس سیا دریک کشور دستگیر می شوند از افراد مزدور وتبعه آن کشورهستند . ماموربن مستقیم سیا که کاملا" مطمئن ، شناخته شده ، ورزیده ومقاوم وحافظ اسرار سیا هستند به "پرده آهنین " معروف هستند . یعنی هیچکس وهیچ گروهی ولواگر کاملا" درخدمت "سیا " باشند وصادقانه برای این سازمان کارکنند درهیچ کجای جهان ازاسرار داخلی آنان نمی توانند ، مطلع گردد واین بدان خاطراست که اگریکی ازمزدوران سازمان درفلان کشور تصادفا " به دام ماموران جاسوسی آن کشور افتاد واحتمالا" برای اعتراف گرفتن تحت ضرب وشتم ویا شکنجه قرارگرفت ، نتواند چیزی را فاش سازد .

۰ درسال ۱۹۵۳ یکی از مزدوران سازمان سیا که تبعه آلمان وساکن فرانکفورت بوده به جرم جاسوسی دوجانبه برای آمریکا وشوروی توسط سازمان اطلاعاتی آلمان غربی شناسائی شد . این شخص دارای دو نام روسی وآلمانی بود . سازمان سیا وپلیس ضدجاسوسی آلمان غربی ورا با نام " آلیاس جرج مولر " می شناختند وازنام دیگروی اطلاعـــی

نداشتند، وروسها نیز وی را به نام "ولادیمیرویچ گئورکی"می‌شناختند
وازنام دیگروی اطلاعی نداشتند. این شخص به جوانان ضد کمونیست
مقیم آلمان شرقی کمک می‌کرد وترتیب فرارآنان به‌آلمان غربی
را می داد تا بتوانندعلیه آلمان شرقی درآلمان غربی به افشاگری
پرداخته وسازمان های جاسوسی آلمان غربی و"سیا" رادرتحقیقاتشان
یاری دهندوی همچنین مشخصات فراری شدگان ونحوه عملیات فرارآنان
ومراکزاقامت شان درآلمان غربی را در ازای مبالغ هنگفتی‌که مخفیانه
از روسها دریافت می‌کرد دراختیارآژانس های جاسوسی‌آنان میگذاشت
پس‌از چندی ماهیت وی برسازمان سیا افشاء شدونامبرده که با دو
هویت جداگانه به جاسوسی پرداخته بود ،دستگیروبه‌زندان محکوم‌شد.
سازمان سیا مجهزبه تکنیک های پیشرفته‌ایست که‌بوسیله آنها می
توانند به شستشوی مغزی بعضی ازماموران خودکه افرادناشایسته‌ای
تشخیص داده می‌شود، بپردازد. مثلا" یک مامور که باانواع‌مکالمات
رمزی آشناست وکد های رمزسازمان جاسوسی آمریکا رانیزمی‌داند به
محض‌آنکه سازمان مزبور انحرافی دروی بیبیند ویابه‌دلایلی او را
برای ادامه ماموریت ها فردصالحی نداندبوسیله‌اینگونه دستگاهها
علایم وحروف رمز وکدهای محرمانه راازمغز وی بیرون می کشد. این
روش "شیمی روانی" نام داردودرجریان این شستشوی مغزی شخص مورد
نظر هیچگاه متوجه امرنمی شودوفقط لحظه ای به‌خودمی‌آیدکه‌همه علایم
وروش‌ها ازیادش رفته‌است. یکی از کسانی که ازاین طریق شستشوی
مغزی داده شد شخصی بنام "فرانک اولسون" بودکه سال‌ها در خدمت
سازمان جاسوسی سیا قرارداشت. وباانواع واقسام روشهای جاسوسی
آشنا بود. ولی ناگهان یک روزمتوجه‌شدکه ازشگردهای جاسوسی و از
اصول ابتدایی آن کوچکترین اطلاعی‌ندارد. وهیچ فرقی بین خودوافراد
عادی کوچه وبازار نمی‌بیند. وی بعدها متوجه شدکه بدون آنکه‌خود
اطلاعی داشته باشد. دریک زمان نامشخص قربانی عملیات "شیمی‌روانی"
شده‌است.

وجودعناصر نفوذی همواره‌یکی ازعوامل اصلی دخالت‌های غیر-
قانونی قدرت‌های خارجی درامور داخلی کشورها بوده‌است.
امروزبسیاری از گروههای موثرسیاسی ، احزاب ، انجمن ها واتحادیه
های که درکشورهای دوبلوک شرق وغرب فعالیت می‌کنندبه‌خاطر حضور
وفعالیت مستمر عوامل نفوذی سازمان سیا دانسته‌یاندانسته‌در خدمت

عوامل استمرار رژیم مذکور را به عقیده خود فرا هم آورند، که ما درین جا به بعضی ازین عوامل اشاره مختصری می نمائیم.

۱- تضعیف مجاهدین مسلمان در بعد نظامی وروانی واجتماعی و سیاسی تا اندازه ممکن قبل از بیرون رفتن.

۲- جذب افرادو کمیات بیشتر از مردم بسوی دولت ولو در حدود عدم مخالفت و ترک قیام مسلحانه در شرایط فعلی.

۳- شل کردن وسست گرفتن در تطبیق آیده آلوژی مارکسیستی، خصوصا در موضوعاتیکه با فکار عمومی مردم ویا به منافع طبقات متنفذ وموثر جامعه مربوط می شود.

۴- تظاهر و فریب دادن مردم که رژیم مخالف اسلام وضد استقلال کشور نیست.

۵- عوض کردن بعضی از مهره های سرسپرده و مزدور به منظور آرام ساختن اعتراضات عمومی.

۶- فشارهای نظامی واقتصادی برمخالفین وبی طرفها، به منظور جذب وتسلیمی.

۷- ملزم ساختن پاکستان و ایران (به عقیده خود) به ترک کمکهای مادی وانسانی با مجاهدین به عنوان قطع مداخلات خارجی وتقویت اشرار وضد انقلاب داخلی!!!

۸- التزام گرفتن از همسایه ها به بستن سرحدات و مرزهای خود بر روی مجاهدین به منظور خفه کردن جهاد ویا حداقل مهار کردن مبارزات نظامی مسلمانان.

۹- گرفتن ضمانت های بین-المللی از قدرت های خارجی در باره آینده افغانستان.

۱۰- برسمیت شناخته شدن رژیم کمونیستی روسی از جانب ایران وپاکستان.

وبالاخره تهیه تمام علل وعوامل پیروزی کمونیستهای مزدور وطرف-دار مسکو ولو در درازمدت بر نیرو های مسلمان داخلی.

ج- ببرک ونجیب

در اینکه چرا روسها درین شرایط به تعویض مهره رئیسی پرداخته اند احتمالات ونظریات متفاوتی وجود دارد، ممکن است ببرک حاضر نبوده که درکانفرانس ژنو گذشتی نموده و عقب نشینی نماید ویا روسها چنین پنداشته اندکه با وجود او تغییر سیاست درکانفرانس مذکور ممکن و یا شایسته نیست لذا او را عقب رانده اندو برای نجیب این آمادگی روحی را دیده اند! وباصطلاح ورا حلقه به گوش تشخیص داده اند!

ممکن است که ببرک را برای قلع و قمع مجاهدین ناتوان یافته اندو نجیب خان را نا نجیب تر وجلادتر از او شناخته اند ولذا او را بروی کار آورده اند. بقیه درصفحه (۱۳)

این سازمان قرارگرفته ووسیله پیشبرد هدف های سیاسی آن شده اند .
اتحادیه های کارگری بخاطر نقش عمده ای که در اقتصاد هر کشور دارند از جمله مراکزی است که همواره سازمان سیا درصدد نفوذ به داخل آن به ویژه در کشورهای بلوک شرقی بوده است .
اتحادیه کارگری لهستان ، موسوم به اتحادیه همبستگی به رهبری "لخ والنسا " یکی از همین اتحادیه هاست که "سیا "در آن نفوذ دارد . این اتحادیه که درحال حاضر موردحمایت شدید مقامات آمریکایی و پشتیبانی وسیع دستگاه های تبلیغاتی اروپایی غربی قرار دارد . به چند نمونه واضح از دخالت سازمان سیا در اتحادیه های کارگری از طریق عوامل نفوذی توجه فرمائید .
درسپتامبر سال گذشته یک هیئت آمریکایی وارد افریقای جنوبی شد وسپس از یک یک اتحادیه های کارگری این کشور بازدید به عمل آورد . " برادن " یکی از اعضای این هیئت که عضو سازمان سیا می باشد وتاکنون از طرف این سازمان دخالت های بسیاری در اتحادیه های کارگری فرانسه ، ایتالیا ، پرتقال و زیمبابوه و لهستان انجام داده درمصاحبه ی در ژوهانسبورگ (پایتخت آفریقای جنوبی) اعلام کرد که " با اتحادیه های کارگری آزاد درسراسر جهان از طریق عوامل خود ارتباط دارد . و این ارتباط با اتحادیه های که بر علیه منافع شوروی عمل می‌کنند (مانند شوروی) بیشتر است .
درماه ژوئن ۱۹۵۳ هنگامیکه صدها هزار تن از کارگران برلین شرقی علیه اضافه شدن اجباری ساعات کارخود در خیابانهای این شهر دست به تظاهرات زده وشعارهای علیه قانون اضافه شدن ساعات کار می دادند . سربازان مسلح به روی آنها آتش گشودند وصدها تن را به قتل رساندند . وهزاران نفر دیگر را نیز دستگیر کردند . پس از این ماجرا سال بعد " آلن دالس " رئیس سازمان سیا دریک مصاحبه ی با سردبیر مجله " اخبار آمریکا وجهان " اعتراف کرد ، اعتصابات وتظاهرات کارگران برلین شرقی درسال گذشته از سوی اتحادیه ی کارگری آلمان شرقی به راه افتاده بود وسازمان سیا درشکل دادن تظاهرات و تحریک اتحادیه کارگری به اعتصاب ، نقش موثری را ایفاء کرد .
وی افزود : " سازمان ما نفوذ فراوانی در این اتحادیه دارد " .

اقبال و افغانستان

بقلم برادر یاسین

سخنی با خواننده گرامی :

این مقاله به قلم یک تن از مهاجرین افغانی، مقیم شهرستان محلات، نگارش یافته که برای چاپ در مجله "استقامت"، به ما فرستاده است. مندرجات مقاله وبرداشت شان از اشعار "اقبال" مربوط به خود نویسنده است.

قبل از اینکه، درموردنظرات "اقبال لاهوری" مربوط به افغانستان، مطالبی ذکر شود، لازم می بینیم خلاصه‌ای از انتقال فرهنگ وتمدن میان، دوکشور افغانستان وهند، که زادگاه "اقبال" است ذکر شود.

سه هزار سال قبل یا بیشتر از آن، اقوام آریایی به قول مورخین از افغانستان یا از طریق آن، به هندوستان سرازیر شدند. از همین جاست که انتقال فرهنگ وتمدن میان دوکشور شروع می‌شود. به قول یکی از نویسندگان، سرودهای "ریکویدا" بین یکهزار و پنجصد تا دوهزار سال قبل از میلاد، قسما "در "افغانستان " سروده شده و در "هندوستان" تکمیل گردیده است. همچنین تهاجمات مکرر دولت های" افغانستان" به "هند" در انتقال فرهنگ وتمدن میان دوکشور، موثر واقع شده است اینها نمونه‌ی بود از انتقال فرهنگی، میان دوکشور، قبل از ظهور اسلام.

اما بعد از ظهور اسلام، انتقال فرهنگ وتمدن میان دوکشور بیشتر از پیش آغاز می شود. خصوصا " بعد از حمله "سلطان محمود غزنوی" که تا "دکن "درمرکز" هند" پیش می‌رود، می‌بینیم که شاعران ودانشمندان چون "ابوریحان بیرونی" به "هند" می رود ودر آنجا کتاب تحقیق "مالِلهند" خودرا می نویسد. بعد از آن دولت "غوری افغانستان" نیز هم همین کار را می کند. تا اینکه "مغول "ها به "افغانستان" حمله می‌کنند و

تمام شهرهای بزرگ وآبادان افغانستان " چون "بلخ" و"هرات" و "غزنی" به اثر یورش بیرحمانه‌ی آنها ویران می‌شود، وبعداز آن هم "افغانستان" بدست اجانب تجزیه می‌گردد. چون "افغانستان" درجوار شبه‌قاره‌ی "هندو با "هند" بیشتر ازهمه کشورها، مرزطولانی در آن زمان داشت، این موجب می شد، بیشتر دانشمندان وشاعران "افغانستان" به "هند" بروند. دری زبانان مانند:
"نظیری نیشابوری" و "غنی کشمیری" و "بایزیدپورانی" و "محمد بلخی" و "فاضل کابلی" که بعضی از آنها، آثارشعری شان تا حال نیز بجا مانده است، تمام سروده‌های شان به سبک "هندی" معروف است.
"اقبال لاهوری" یکی از شاعران "دری زبان" قسمت شمال "هندوستان" است که امروز به نام "پاکستان" یاد می شود. این شاعر عارف، درسال ۱۸۷۳ میلادی در "سیالکوت پاکستان" تولد ودر سال ۱۹۳۸ در "لاهور" چشم از جهان فروبست.
درسال ۱۹۳۳ میلادی، دولت "افغانستان" از "اقبال لاهوری" می خواهدکه، درمورد چگونگی تاسیس "پوهنتون کابل" (دانشگاه) به "افغانستان" بیاید. "اقبال" که ازپیش هم علاقه‌به "افغانستان" داشت، دعوت را می پذیرد. وی درسفربه "افغانستان" "کتاب اشعار "پس‌چه‌بایدکرد‌ای اقوام‌شرق" وکتاب "مسافر" را می‌نویسد.
اکنون می پردازیم‌به شرح اشعارش که‌دراین دوکتاب ودیگر کتب اشعارش، در رابطه با "افغانستان" سروده‌است. اینجا لازم‌است‌که بگوییم که‌اگردراین اشعار ازپادشاهان "افغانستان" مدح‌کرده است بیشتر جنبه‌پندواندرز را دارد. وحتما" هم می‌دانیم که مدح شاعر از "شاه" باعث‌این نمی شودکه ارزش‌اشعارش‌ازبین برود، چون بیشترشعرای گذشته‌وحال کشورهای اسلامی، درعین حالی‌که‌ازشاهان‌تعریف کرده اند. به مسایل ادبی، عرفانی، سیاسی نیزپرداخته‌اند.
اقبال دریکی ازسروده‌هایش‌بنام‌پیام‌مشرق که‌درجواب دیوان گوته شاعر آلمانی سروده وتقدیم به امیرامان الله‌کرده‌است. بعد از چند مدح که ازامان الله کرده‌است ازشهرش به‌عنوان هدیه‌یادمیکند وازاو می‌خواهد در اصلاح مردم افغانستان بکوشد و مردم افغانستان را مانند شیر به‌باربیاورد، تا حامی دین شود واعتقاد

داردکه قانونی بودن دولت پیش ملت علم ودانش وآگاهی است و بعداً " خطاب به امیر چنین می‌گوید :

. ای امیرابن امیرابن امیر　　هدیه‌ی از بینوائی هم‌پذیر

ملت آواره‌ی کوه ودمن　　در رگ اوخون شیران موجزن

جان توبرمحنت پیهم‌صبور　　کوش درتهذیب افغان غیور

تا زصدیقان این ملت شوی　　بهردین سرمایه‌ی قوت شوی

علم‌ودولت نظم‌کارملت‌است　　علم‌ودولت اعتبارملت است

لعلناب اندربدخشان‌توهست　　برق سینا درمهستان توهست

پس ازآن اقبال توطئه‌استعمارگران راکه به‌هررنگ ظاهرمی شود این چنین به امان الله گوشزد می کند :

ای بساآدم که ابلیسی کند　　ای بساشیطان که‌ادریسی کند

رنگ اونیرنگ وبوداو نبود　　اندرون اوجوداغ لاله بود

اقبال در کتاب مثنوی مسافرش‌که درسال ۱۹۳۸ چاپ شده‌است چنین شهامت و دلیری ملت افغانستان راکه دربرابربیگانگان وخصوصاً " استعمارگران انگلیسی کرده‌اند می ستاید :

سرزمین کبک او شاهین مزاج　　آهوبا وگیرداز شیران خراج

درفضایش جره‌بازان تیزچنگ　　لرزه برتن‌ازنهیب‌شان‌پلنگ،

باز با ناراحتی می گوید :

لیکن ازبی‌مرکزی آشفته روز　　بی‌نظام ونا تمام ونیم سوز

جندی‌بعد، اقبال به کابل واردمی شودوکابل را مانندجنت تعریف می کند وباد اورا بهتراز شام روم می‌داند وحکمت کابل را بالاتر از حکمت شرق وغرب عالم می‌داند .

شهرکابل خطه‌ی جنت نظیر　　آب حیوان ازرگ تاکش بگیر

چشم‌صائب ازسوادش سرمه‌چین　　روشن وپاینده‌باد آن سرزمین

آن دیارخوش‌سواد آن‌پاک‌بوم　　باد اوخوشترزباد شام و روم

ساکنانش سیرچشم‌وخوش‌گهر　　مثل تیغ ازجوهرخود بی خبر

درنگاهش روزگارشرق وغرب　　حکمت اورا زدارشرق و غرب

هزارمرتبه‌کابل نیکوترازدهلی‌است "که‌آن عجوزه عروس‌هزار داماداست"

بعدازکابل اقبال سفرش را به غزنی ادامه می‌دهد . اوکه‌ازعظمت افسانوی گذشته غزنی آگاهی دارد ومی داند که غزنی شهرباعظمت بوده ودانشمندان وشاعران چون ابوریحان بیرونی‌و حکیم "سنائی"

غزنوی را دردا من خود پرورید‌ه است وحال درنتیجه هجوم استعمارگران اروپایی به خرابه‌ای بدل شده است ودیگر از شاعران ودانشمندانش اثری نیست با ناراحتی می‌گوید:

آه غزنی آن حریم علم وفن | مرغزار شیرمردان کهن
خفته درخاکش حکیم غزنوی | از نوای اودل مردان قوی
آن حکیم غیب آن صاحب مقام | ترک جوش رومی ازذکرش تمام
خیزد ازدل ناله‌ها بی‌اختیار | آه آن شهری که اینجا بود پار؟

ودرشعری دیگر که خطاب به ظاهرشاه مخلوع سروده است می‌گوید: که من از اندیشه‌ای که درنهان ملت افغانستان است کاملاً آگاهی دارم و چیزی که دیگران ندیده اند من دیده ام وتوباید حکمت را که مسلمانان بنا گذاشته، دوباره احیاء کنی وباید ملت افغانستان را با علم امروز آشنا سازی. وعصر آنها را مثل صبح نوروز بگردان:

باز افغان را ازآن سوزی بده | عصراورا صبح نوروزی بده
ملتی گم گشته‌ی کوه وکمر | ازجبینش دیده‌ام چیزی دیگر
کاروبارش رانکوسنجیده‌ام | آنچه پنهان است پیدا دیده‌ام
حکمت اشیا فرنگی زاد نیست | اصل اوجز لذت ایجاد نیست
نیک اگربینی مسلمان زاده است | این گهراز دست ما افتاده است
این پری از شیشه‌ی اسلاف ماست | بازصیدش کن که او از قاف ماست

اقبال درمنظومه‌ی تحت عنوان فلک عطارد می‌گوید: من درجهان دونفر دیدم درحال قیام یکی سعیدحکیم پاشا ودیگری سیدجمال الدین افغانی واقبال از زبان مولوی بلخی میگوید:
که درمشرق بهترازاین دوکس زاده نشده است.

رفتم ودیدم دومرد اندر قیام | مقتدی تاتار وافغانی امام
پیر رومی هرزمان اندر حضور | طلعتش برتافت ازذوق و سرور
گفت مشرق زین دوکس بهتر نزاد | ناخن شان عقده‌های ما گشاد

اقبال خودرا به زنده رود تشبیه کرده ودرعالم خیال ازسیدجمال‌الدین نقل می‌کند که به او می گوید:

زنده‌رود ازخاکدان ما بگوی | اززمین وآسمان ما بگوی

درجواب سیدجمال الدین می‌گوید: درباطن ملت افغان مقاومت و گیتی شکنی را دیده ام که بااعتقاد خود اقبال که این مقاومت ملت افغانستان درنتیجه بهم پیوستگی دین ووطن است.

درضمیر ملتی‌گیتی شکن　　دیده‌ام آویزش دین ووطن
مشرق ازسلطانی‌مغرب خراب　　اشتراک ازدین وملت برده‌تاب

ودرشعردیگر اقبال کاملا" نظرات خود را در موردافغانستان می‌گوید "افغانستان رادل آسیا می‌داند نابودی افغانستان را ،نابودی‌آسیا می پنداردوآزادی افغانستان راآزادی آسیادانسته‌وزنده‌بودن‌افغانستان را دراعتقاد به‌دین می‌دانند."

آسیا یک پیکر آب وگل است　　ملت‌افغان درآن پیکر دل است
از فساداو فساد آسیا　　درگشاد او گشاد آسیا
تادل آزاداست‌آزادست‌تن　　ورنه‌کاهی در ره‌باداست تن
همچوتن پابندآیین است دل　　مرده‌ازکین زنده‌ازدین است دل

وسرانجام اقبال دوست دارد باجوانان افغانستان دریک راه مانند شمع بسوزد وجامعه را روشنی دهد

چون چراغ لاله‌سوزم درخیابان شما
ای جوانان عجم ، جان من وجان‌شما
مهرومه‌دیدم ،نگاهم‌برترازپروین گذشت
ریختم‌طرح حرم‌در کافرستان شما
-فکر رنگینم‌کندنا ز سهی دستان شرق
پاره‌لعلی که‌دارم ،ازبدخشان شما

بقیه‌ازصفحه (۴۲)

را ترتیب‌دهندتا آنان نیزدر پهلوی برادران شان به‌جهاد مسلحانه بپردازند.

سئوال ـ چه‌پیامی به‌خواهران ومادران افغانی‌دارید؟

جواب ـ عرضم‌خدمت همه‌خواهران ومادران اینست‌که مسؤولیت عظیم اسلامی راکه‌این برهه‌ی اززمان بدوش‌دارندبوجهه احسن انجام داده و باکمک برادران وفرزندان شان درجبهه‌های جنگ‌انقلاب اسلامی رایاری وفرزندان خودرا باروحیه‌انقلاب اسلامی تربیه‌نمایند که نسل های آینده بااحساس وآگاه‌ومجاهد بار آیند. ما مطمئنیم‌که سرانجام اسلام عزیزدر افغانستان خونین پیروزشدنی است‌ازینرو خواهران ومادران بکوشند که از امتحان خداوندموفق بدرآیند.

ما و خوانندگان




برادر میرمسعود از شهر مقدس مشهد :

نامه‌ای گلایه آمیز آن برادر مهاجر را دریافت داشتیم، مندرجات آن را به حساب احساسات انقلابی شما می‌گذاریم، از تشویق که برادران خود را نموده‌اید، سپاسگذاری می شود، ما چهار روز قبل از رسیدن سومین نامه‌ات، جواب نامه‌های قبلی شما را و هم نظرما را در مورد نوشته هایت بوسیله پست سفارشی ارسال داشته‌ایم، امید است رضایت آن جناب را فراهم آورده باشد.

تهران، برادر بابا علی :

نامه‌ی مقاله گونه شما بدفتر مجله رسید، از اینکه پاسخ آن را دیرتر تقدیم میکنیم، عذر ما را بپذیرید. شما اگر یک مقدار بیشتر مطالعه کرده و زیادتر بنویسی، بهتر خواهد بود، چون استعداد نویسندگی را دارا می باشید، و حالا این بر شماست که چگونه از این نعمت خدادادی بهره برداری میکنید موفق باشید.

اصفهان، برادر حبیب عرب زاده :

از وصول نامه‌های شما با آن املاء و انشایی عالی بشما اطمینان داده می شود، متقابلا سلام های دوستانه کارکنان مجله بشما تقدیم و در مورد پیشنهادات آن جناب نگاشته می شود :

۱ـ اینکه رهبری حرکت اسلامی، از نگاه مقام علم و فقاهت و سیاست و سایر کمالات در میان شخصیت های موجود کشور ما، جای بخصوصی دارد، چیزی تازه‌ی نیست، ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و این بر ملت مسلمان ما در داخل و خارج کشور است که قدر این شخصیت بزرگ علمی را دانسته و از آثار گرانبهای شان استفاده نمایند، و ما در مورد پیشنهاد شما گرچه هیچ مانعی از سوی ما نیست، و به سیاست هیچ جای برخورد نمی کند ولی با وضع فعلی استقامت و با این امکانات کم ما، سازگار نیست

ونازه برفرض امکانات ،هیچتاثیری مهمی به آنصورت برای آن کار متصور نیست .

۲ـ اینکه ما انقلاب خودرا بدنیا صادرمیکنیم یا نه ؟ وراهی‌صدور انقلاب ما چیست ،خودبحثی دیگری لازم دارد ، گرچه‌که‌حماسه‌های شیرـ مردان افغان خود الگوئی گردیده استبرای تمام ملت‌های دربند استعمارشرقی ، وانقلاب اسلامی مردم ما .درمیان انقلاب‌های دنیا و ملل مسلمان ازجایگاه ویژه‌ای برخوردار است

برادر!ما باهزاران زحمت وخون جگری ونبودامکانات و ...که‌استقامت راـعداز یکماه‌از موعد مقررآن به‌خوانندگان تحویل می‌دهیم ،بازهم جای شکرش باقی است . چه‌رسدکه نشریات به‌ربانهای خارجی داشته باشیم ،گرچه پیشنهاد شما سازنده‌وجالب است ولی چه‌کنیم که فعلا" ازین بیشتر برای ما مقدور نیست .

محلات ، برادریاسین :

سلام‌علیکم ، امیداست ،همکاری خود رابا مجله‌ادامه دهیدنامه های شما رابا ضمایم آن دریافت داشتیم ،مطمئن باشید طبق تقاضای شما عمل خواهدشد. واما در مورد اعتراض شما که‌چرا مقاله‌ی شما زود چاپ نمی شود ،بایدقسمت‌های آخر پاسخ برادرحبیب الله‌عرب زاده‌را مطالعه فرمائید .

تهران ، برادرمحمدحسن "صداقت" :

متقابلا" سلام‌علیکم ،درمورد پرسش شمااختصارا "بعرض میرساند :

حرکت یک حزب اسلامی سیاسی است ،نه‌سازمان،وفرق بین این دو واژه‌را آنطور که‌گفته اند ، اینست‌که معمولا" سازمان پس‌ازپیروزی انقلاب منحل اعلام می‌گرددولی حزب حتی درپس‌از پیروزی‌انقلاب هم‌ـ چنان به فعالیت‌خود ادامه خواهد داد .

برادر درویشی :

به‌جواب پرسش‌های شما فقط آنچه‌که می توانیم بگوئیم‌یک کلمه وآنهم" نه " است‌که مربوط به پرسش‌اول ودوم شما می شودودرمورد سئوال سوم ، بلی مجله استقامت رابه بعضی اشخاص ونهادهای‌انقلابی وارگانهای مطبوعاتی مجانی می فرستیم .

برادر رمضان علی :

امیدواریم موفق باشید ، درمورد سئوال تان اختصارا عرض مـی

شود ،میزان حدودوحقوق زن ازنگاه اسلام در رساله‌های مراجع‌تقلید ذکرشده است ، حدیثی که شما در فلان کتاب مطالعه کرده‌اید ازنگاه سند ضعیف است واعتباری ندارد ونمی شودبه‌کلیه مندرجات اوعملکرد

برادر ،ن،ی ،م میرزائی از اهواز ، کوت عبدالله :

ماهم سلامتی شما وپیروزی رزمندگان اسلام‌را ازخداوندمتعال‌خواهانیم ، جواب‌های ما به‌پرسش‌های شما قرارذیل است .

۱ـ اگر طلبکاران شما مطالبه‌دیون خودرا دارند،شما اول بده‌کاری خود را اداء وبعدا" به صفوف رزمندگان اسلام ملحق شوید، و اگر آنها به شما مهلت می دهندویا اینکه شما درفرض ماندن بازهم نمی توانید، پول طلبکاران را بدست بیاورید،برشما واجب است به جبهه بروید .

۲ـ سادات راجا برانصاری نکشته‌است واین عقیده‌ی دوست شما که اصلاسیدوجودندارد، باطل است .مسلما نسل فاطمه‌زهراء (ع) درهمه جا منتشر وپراگنده است وبه‌تعبیر قرآن مجید،فاطمه‌زهراکثیرالخیر (کوثر)است .

بوسیدن دست‌سادات متدین بعنوان اولاد پیغمبر،اشکالی نداردو کسی هم‌برشما لازم نگردانیده‌است ،سادات غیرصالح‌وبدکاررا ببوسید .

۳ـ در موردسئوال سوم تان لطفا آدرس‌دقیق خودرابه ما ارسال دارید، تاجواب آن خصوصی باشما درمیان گذاشته‌شودچون در مجله تکرارابه آن مطلب پاسخ داده شده‌است .

برادر (ه)

نخست به‌آن برادر عزیزعرض‌شودکه پای نامه لطفااسم خود را مرقوم فرمائید، استعداد امضاء خوانی ما بسیار ضعیف‌است .

حرکت‌اسلامی افغانستان که از پایگاه وسیع مردمی درداخل و خارج کشور برخوردار است ، جریانی است‌متکی به مردم مسلمان‌ما و این ملت مسلمان ما است‌که درداخل‌وخارج‌اگرانه‌مجاهدین ما را کمک ومساعدت می نمایندواز لحاظ تسلیحاتی اسلحه‌برادران‌مجاهدشما درقشله‌ها وپوسته‌های دولتی است ،یعنی برادران رزمنده‌ی ما تاکنون قسمت‌اعظم‌وسایل نظامی شان رااز روسها ونوکران داخلی‌آنها به‌غنیمت گرفته‌اند .

خوانندهٔ عزیز استقامت برادر حیدری از تهران :

پیشنهاد جالب شما را دریافت داشتیم ، ان شاءالله در آینده نزدیک به آن اقدام خواهد شد .

برادر سیدحیدر مجاب زاده :

سروده زیبای شما بدفتر مجله مواصلت ورزید ، اگر همین طور ادامه بدهید ، آینده‌ی خوبی در انتظارت هست امید می رود همکاری تان را با ما ادامه بدهید ، درذیل به منظور قدردانی از احساسات پاک شما چند مصرع از شعر تان را به خوانندگان تقدیم می داریم .

طفل افغان تو چرا وضع پریشان داری
بلبل خوش سخنم ، قلب هراسان داری

توکه طفلی وهنوزت نبود درد وطن
پس چرا زار وغمینی ، زچه گریان داری

رنجش خاطرت از دردوطن خواهی تست
یا که سیلی برخ ، از کوچه ومیلان داری

پدرت گربه ره‌ی دین زسروجان بگذشت
نزد اسلام عزیز ، اجر فراوان داری

تهران ، برادر سیدآقا حسین هاشمی لولنجی ، عضوشورای مرکزی جبهه متحد افغانستان :

نامه‌ی سرگشاده را دریافت نمودیم ، آنچه که ما به عنوان جواب می توانیم به شما بگوییم ، وبدون اینکه آسمان وریسمان را بهم بافته وخودهم قاضی باشیم وهم شاکی دومطلب است :

۱– اثبات شئ نفی ماعدا نمی کند ، یعنی اگرما درمجله از قول مجاهدین قهرمان لولنج نقل قول کردیم که اکثریت مردم آن منطقه به حرکت اسلامی وابسته گی دارند ، این بدان معنی نیست که دیگردرآنجا عضو ویا هوادار بقیه گروهها اصلا وجود نداشته باشد ، اگرمامینوشتیم همه‌ی مردم ، آن وقت اعتراضات شما واردمی شد ، شما اگرروی کلمه‌ی اکثریت خوب دقت فرمائید ، مطلب خودبه خود واضح می گردد .

۲– در موردتخلف ، که شما ادعا کرده ایدماهم این حادثه را تخلف می دانیم امیداست شورای روحانیت مقصراصلی را شناخته واعلام بدارد تا دیگران از راه دور باشتباه قضاوت نکنند . امیداست با این مقدار رضایت آن برادر رافراهم کرده باشیم وازخداوندمی خواهیم

جهانی نمودن

حرکتهای اسلامی

تجربه سیاسی نشان داده است ما هرچند مسایل را منطقه‌ای ومحدود تر فکرکنیم وهرچندکه خودرا بیشتر درچهاردیوارکشوروشهرخود محبوس نمائیم ،قدرت های استعماری به همان اندازه آسان ترمی توانند برما دست یابند ،وبه نیات شوم شیطانی خودزودتربرسند .

ما اگربخواهیم درتحصیل مقاصد به شکست وناکامی وبن بست مواجه نشویم یاقضایای موردنظر را در ابعادوسیع واقلادرسطح بین المللی اسلامی مطرح وتعقیب نمائیم تا ازیک طرف بازوان توانمندبیشتری زیربارقرارگیرد ،وازجانب دیگر دشمنان ما عاجزشده نتوانند برای قطاع الطریقی کمین نموده ما رااز ادامه راه منصرف ویا متردد نمایند بنابرین درشرایط موجوده ،ما بیک تشکیل سیاسی واجتماعی واخلاقی متحدی در کشورهای اسلامی نیاز شدیدی داریم‌که اگرفعلا نتوانیم عناصرمبارزباسابقه‌ای رااز کشور های مذکورگردآوریم لااقل افراد مومن ومعتقد به مبارزه‌را می – توانیم جمع وبه‌فعالیت واداریم

نهضت واحدجهانی اسلام که از تمام کشورهاوجوامع اسلامی (۱)اعضا داردبایددرتمام شهرهای مسلمان نشین نمایندگی داشته ومسلمانان را بوظایف فردی واجتماعی وسیاسی شان آشنا سازند .

حرکت متحدجهانی اسلام‌در متن میلیاردی توده‌ها از امکانات مادی ومعنوی زیادی برخوردار خواهدبودکه به‌شرط صبروپایداری حتما بغرض نهایی خودخواهد رسید وهمچون سیل خروشان تمام خس و

---

(۱) مراد ما از کشورهای اسلامی ،سرزمین هائی است که اکثریت ساکنان آن مسلمان باشندومراد ازجوامع اسلامی اماکنی است که مسلمانان درآنجا ها دراقلیت باشند .

که احساسات ما بر اخلاق اسلامی حاکم نگردد.

برادر مهاجر سیدکمال صدر از قم:

نامه‌ی پرمحبت شما را دریافت داشتیم، احساسات شما عالی وقابل قدر است، امیداست با مطالعه وجدیت بیشتر، شعرهای جالبتری به مجله ارسال دارید، درذیل به منظور حسن ختام ابیات چندازسروده تان رابه خوانندگان تقدیم می داریم.

عشق میهن

حفظ ناموس وطن را ازدل وجان می کنیم
ازبرای حفظ میهن، جان، قربان میکنیم
از برای اعتلای کشور آزادگان
کاروپیکارِ بوقت، هم فراوان می کنیم
در ره‌ی این میهن آزاده ما جان می‌دهیم
با نثارخون خود، کشورگلستان می کنیم

باميدپیروزی مجاهدین مسلمان افغانستان بر اشغالگران روسی و تشکیل جمهوری اسلامی در افغانستان.

بقیه ازصفحه دوم جلد

۳- همانطوریکه خوانندگان باستقامت وهموطنان مسلمان ما مسبوقند مجله‌ای موسوم به حبل ...که درغالب شماره‌هایش مطالبی را علیه حرکت اسلامی صراحتا ویا تلویحاً چاپ ونشرکرده است، اخیرا درشماره (۲۱- ۲۲) درمصاحبه با علی جان "زاهدی" مطالبی را علیه حرکت اسلامی بچاپ رسانده که بدورازاخلاق اسلامی وحتی مخالف واقع بوده وتوهینی به مصوبات هیئت اعزامی ازسوی حضرت آیت ا... العظمی منتظری است، که دعاوی مذکورتماما جواب کافی نیزدارد.

حرکت اسلامی نظربه احترام عمیقی که به مصوبات هیئت اعزامی داشته وازطرفی دیگرهمواره خواهان اتحادسراسری مجاهدین مسلمان بوده است وبادرنظرداشت احترام به سفارشی که درماه رمضان ازطرف بعضی از مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی ایران مبنی برترک بدگوئی، شده بود فعلا به همین قدراکتفاء میکند. بامیدروزیکه واقعیت ها آفتابی شود "تا سیه روی شودهرکه دراوغش باشد".



یادی از: رهروان راه حسین (ع)

شهادت سیره زندگانی آزادگان تاریخ است.

سخنی با خواننده :

ازآنجائیکه به اثر تجاوز ببشرمانه روسها به کشور اسلامی‌ما هیچ خانه‌وکاشانه‌ومنطقه‌ی را سراغ نداریم که شهدای راجهت حاکمیت الله "ج" وبراندازی کفر ونابودی متجاوزین ، عاشقانه‌تقدیم‌نکرده باشند،که ما به محض دسترسی به عکس وبیوگرافی این عزیزان ضمن نثارخالصانه‌ترین درود به ارواح طیبه‌ی آنان اقدام به‌چاپ آن نموده ایم ،اگردرین میان از منطقه‌ی عکسی به چاپ‌نمی رسد این بدان معنی نیست‌که مجله به‌عکس منطقه خاصی اختصاص یافته‌وازچاپ شهدای سایر مناطق خودداری می شودکه‌درین موردبعضی خوانندگان عزیز ازداخل کشور وحتی عده‌ای ازمجاهدین عزیزما رابه‌باد انتقاد گرفته‌اندکه ما مثلا شهدای منطقه‌آنها رافراموش کرده ایم !! و مجله رافقط به گزارشات وشهدای فلان منطقه‌اختصاص داده‌ایم !! دراینجابا ین عزیزان اعلام‌میداریم‌که‌مجله‌ی استقامت به همه‌ی کسانی که درکشور اسلامی ما بسر می برندوسرگرم‌جهادمی باشندتعلق دارد، شماهم‌عکس و گزارشی از هرجای ازکشور اشغال شده‌ی ما دارید بدفتر مجله ارسال داریدتابه‌چاپ آن اقدام شودآنچه‌درین شماره و

شما ره‌ای بعدی درین صفحه تقدیم می شود ،عکس ومشخصات بسیار مختصری است از قهرمانان گمنامی که از بدو انقلاب اسلامی تا کنون درمنطقه قهرمان پروربامیان به‌شرف شهادت نایل گردیده‌اند ، اگر بعضی از عکس‌ها نا مشخص ویا کوتاه ومختصر است ،عذرما را بپذیرید که ازین بیش مقدور ما نبوده است .

" مسوول مجله "



شهید محمد علی فرزند ملامحمدبخش ساکن قریه‌کته ـ سنگ ، ولایت بامیان ، محل شهادت میدان هوایی بامیان



شهید محمدانورفرزندنوروزکربلایی ساکن قریه کته سنگ ولایت بامیان ،محل شهادت شینه‌فولادی ولایت بامیان .



شهید محمدباقر فرزندخدابخش ساکن قریه پای ـ کوتل ولایت بامیان ،محل شهادت میدان هوایی بامیان .



شهید محمدموسی فرزند غلام‌حسن ساکن قریه‌بام ـ سرای ولایت بامیان ،محل شهادت میدان هوایی بامیان .



شهیدسیدعلی حسن فرزند سیدمحمدالله باشنده
،محل شهادت میدان هوایی بامیان ،



شهیدمحمدعلی فرزند محمدصادق ساکن قریه‌سیاه
خاک مرکزبامیان .



شهیدعلی احمد فرزند مرادعلی ساکن سیاخار –
بلاق .



شهیدمحمدحیدر فرزند محمدصفر ساکن قریه‌دوست
بیگ محل شهادت شینه‌فولادی بامیان .



شهیدسلمان فرزندمحمدعلی کربلایی ساکن قریه
زکریه فولادی ولایت بامیان محل شهادت میدان
هوایی بامیان .



شهیدخا دم‌حسین فرزند محمدحسن سا کن قریه‌سیاخار
بلاق سا ل شها دت ۱۳۵۸



شهید غلام‌علی فرزند محمدعلم ساکن قریه‌سیا خا ر
بلاق سا ل شها دت ۱۳۵۸



شهیدنا در فرزند محمدعلم سا کن قریه‌سیا خا ربلاق
محل شها دت میدا ن هوا یی با میا ن .



شهیدقا سم‌علی فرزندعوض علی سا کن قریه کته‌ـ
سنگ ولایت با میا ن محل شها دت میدا ن هوا یـــی
با میا ن سا ل ۱۳۵۸



شهیدگل ا حمدفرزندسیدا حمد سا کن‌قریه‌دوست بیگ
محل شها دت با رسونه‌فولادی سا ل ۱۳۵۸



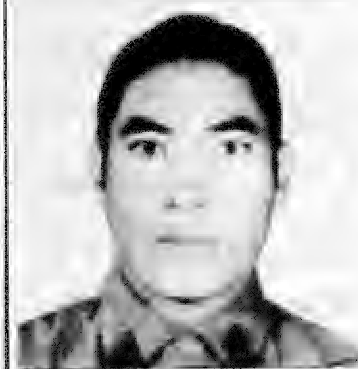
شهید میرزا حسین فرزند غلام‌حسین ساکن قریه‌قازان
محل شهادت سیاخاک سال ۱۳۵۸



شهید نیتوا ز فرزند سیداحمد ساکن قریه‌بلاق سبزی
محل شهادت میدان هوایی بامیان سال ۱۳۵۸



شهید سید سرور فرزند سیدعلی رضا ساکن قریه
سیار بلاق ،محل شهادت میدان هوایی بامیان .



شهید جمعه‌خان فرزند حاجی احمدعلی ساکن قریه
شیوه‌قد محل شهادت میدان هوایی بامیان .



شهید امیرداد فرزند خداداد ،محل‌شهادت میدان
هوایی بامیان سال ۱۳۵۸



شهیدسبزعلی "رستگار"فرزند مهردل ازولایت پروان ولسوالی بگرام قریهی دههزاره درسال ۱۳۲۲ دریک خانوادهٔ متدین دیده بهجهان گشود ،بهاثرضعف اقتصادخانوادگی نتوانست ازنعمت سوادبهره مند گردد .وی تا بقدرت رسیدن نوکران روسی بهکارکشاورزی اشتغال داشت ،بااوج گیری قیام سراسری ملت مسلمان ما ازکاروکاسبی دست کشیده ودوشادوش برادران مجاهدش سرگرم پیکارعلیه نوکران روسی گردید ،ودرکابل بعداز اینکه درسال ۱۳۵۸ بهحرکت اسلامی افغانستان (اولین تشکیلات سیاسی نظامی شیعیان افغانستان)پیوست همگام باسایربرادران مجاهد مستقر درکابل حماسه ها آفریدوفعالیت های چشمگیری ازخودبیادگارگذاشت ،صفا ،حسن برخورد ،اخلاق نیکو وصداقت این مجاهدشهیدهمیشه در ذهن هم سنگرانش باقی خواهدماند تشدیدعملیات او علیه روسها ونوکرانش درکابل،ولیاقت وکاردانی ومدیریت خوب این شهید ،مسوءلین عالی داخلی رابرآن داشت تا او را بهحیث مسوءل کل پایگاه قایم آل محمددرزادگاهش (قریهٔ ده هزاره)منصوب نمایند .که دراین مرحله نیزوظایف محولهاش را به نحوخوبی انجام داد ،ودرهرعملیات که ازطرف پایگاه قایم آل محمدعلیه تاءسیسات ومراکزنظامی روسها صورت میگرفت همیشه درخط مقدم قرارداشت تااینکه واخرسال ۱۳۶۴دریک رویاروئی مستقیم با روسها بعدازرشادتهای زیادبدرجهٔ رفیعهٔ شهادت نایل گردید .



شهیداکبرعلی فرزندحسین علی از قریهٔ سفیدبز ،ولسوالی پسابند ولایت چخچران ،کهبتاریخ ۲۴حوت ۱۳۶۴ درپایگاه حرکت اسلامیمستقر درجبرئیل هرات بهشهادت رسید

نامهٔ از سنگر

درذیل نامه‌ی به خوانندگان عزیز تقدیم می گردد، که بوسیله برادران مجاهدما از پایگاه ۷ موسوم‌به مالک اشترمستقردر ترکمن به‌دفتر مجله ارسال‌گردیده‌است ما ضمن آرزوی موفقیت این برادران قهرمان ومسلمان ومجاهد، بخشی از نامه‌ای شان را به خوانندگان عرضه می داریم :

محضر مبارک حضرت آیت الله محسنی‌دامت توفیقاته : وتمام کار- مندان دفتر مرکزی حرکت اسلامی ،السلام‌علیکم‌ورحمه‌الله !
الهی از گزند حوادث وبلیات ،تحت توجهات خاصه‌حضرت حجت ابن - الحسن "عج" مصئون باشیدامابعد: توجه آن جنابان را به گزارشات وجریانات داخل معطوف می داریم :

۱- بمباران دشمن زبون وناپاک ، درمناطق مرکزی بویژه‌درساحهٔ پروان ،بامیان وبالخصوص درمناطق مربوطات حرکت اسلامی‌ادامه‌دارد که از اول سال ۱۳۶۴ تاکنون سی مرتبه‌به منطقه وسنگروپایگاه (۷) مالک اشترحمله ورگردیده اند، که درین حملات بیش‌ازصدوپنجاه‌عدد بمب ناپالم‌وبیش‌از دو صد فیرموشک های هوا به زمین ریخته اند که درطول این حملات هوایی ،یکتن از برادران بنام حسین علی به درجه‌ی رفیعه‌ی شهادت نایل آمده‌وبیش‌از پانزده نفرمردوزن زخمی گردیده که زخم های شان سطحی بوده ،ان شاء الله‌قابل تداوی می باشند تلفات جانی آنقدرنداشته اما تلفات مالی خیلی زیاد است که تلفات مالی‌را طبق آخرین آمار به‌چهارمیلیون افغانی‌تخمین‌زده اند .

۲- رزمندگان حرکت اسلامی درساحهٔ پروان در هربرج یک مرتبه جهت عملیات به سالنگ ، بامیان ، بغلان می‌روندبویژه در روز های تاریخی وضمناء درمناطق که‌بین گروهها اختلاف وجنگ باشد ،جهت صلح گام‌های مثمربر می دارند که تاکنون به فضل خدا دراکثر مناطق

بقیه در صفحه (۸۵)

گزارش از جبهات

کابل

۱ـ با کارگذاری یک بمب ساعتی کوچک در یک موترگاز ۶عامل نفرات ومهمات مفرزه‌ی نمبر۲ریاست پنج خاد درکارته پروان ،موتر مذکور بکلی منهدم شده ویک نفردیگر نیز ازمنسوبین این مفرزه هلاک شد .

۲ـ دراثرپایمردی و دلیری رزمندگان نظامی ها کندک



قومی متعلق به ریاست پنج خاد مستقردرقلعه شاده با پاشیدن مواد نفتی درمنزل فوقانی آن کندک به آتش کشیده شدکه به اثر آن شش صندوق



مرمی کلاشینکوف ،چهارمیل کلاشینکوف ،دومیل یازده تیر به اضافه‌ی اثاثیه واسناد این کندک ازبین رفته وقاسمخان سرپرست این کندک باثر فیرمرمی ها در موقع حریق جراحت شدید برداشت. باثررعب ووحشت که توسط این عملیات جوانمردانه سربازان اسلام دربین صفوف دشمنان خدا و میهن ایجادگردیده ،عده‌ی زیادی از افراد این کندک فرارنمودند .

۳ـ باثرهوشیاری وازخودگذری یکتن از برادران قهرمان نظامی این پایگاه ،سه‌تن ازسربازان روسی که وظیفه انضباط ارتش سرخ‌را در کابل به‌عهده داشتند ، توسط یک

عملیات مشهوراته برادران مجاهد ما به درک واصل گردیدند.

۴- یکتن از جنایتکاران بنام خارمن انجنیرگل، باشندهٔ نوآباد دهمزنگ توسط جانبرکفان نظامی این پایگاه به هلاکت رسید.

۵- به مناسبت تقبیح بیست و یکمین سالروز تاسیس حزب ملحد کمونیستی خلق، اعلامیه درسراسر شهرکابل پخش ودربعضی از محلات حساس الصاق گردید. اماکن که این اعلامیه که به همکاری کمیته فرهنگی طبع گردیده بود وذریعهٔ برادران نظامی این پایگاه پخش گردیده، عبارتند از:

تمام فاکولته های پوهنتون کابل، انستیتوت دولتی طب کابل، فاکولته زراعت، فاکولته وترنری، فاکولته ادبیات، فاکولته اقتصاد، وزارت زراعت، لیلیه مرکز، لیلیه نسوان



پوهنتون، اطراف مقبره سید جمال الدین، انستیتوت پکتیا، دارالمعلمین سیدجمال الدین و تمام مناطق کارته سخی، جمال مینه قلعه واحد، قلعه وزیرچهاردهی، قلعه وزیرآباد، اکثرحصص تایمنی وات، پروژه وزیرآباد، حصه سوم خیرخانه مینه، وزارت صحت عامه



ریاست مجادله لشمانیا وملاریا، وزارت تجارت، دربین کندک خاد دوغ آباد، ده قابل، دشت برچی، انجی باغبانان، افشار سیلو، ده نوده بوری، چهارراهی انصاری حصه دوم کارته پروان و.......

۶- دراثر پرتاب یک نارنجک بالای موترجیب حامل صاحب منصبان روسی که بطرف فرقه ۸ مقیم قرغه درحرکت بود، توسط رزمندگان اسلام مقابل ساختمان واکسین سازی هدف قرارگرفت که قسمت ضلعی جیب مذکور در اثر اصابت نارنجک صدمه دیده ودوتن از سر نیشینان آن مجروح گردیدند.

۷- به مناسبت بزرگداشت یوم الله سوم حوت، اعلامیه ی هدفمند و جهت دهنده ی که ازطرف کمیته فرهنگی پایگاه ترتیب ودراختیاربرادران

خاشاک استعماری واستثماری را ازپیش روی خودبرطرف نموده در بسترزندگانی بین المللی‌به عزت وکرامت وسعادت دنیا وآخرت خود فایق می آید.

نهضت جهانی اسلام‌که از افراد متدین ومتعهدوتحصیل کرده وبا اراده‌وکارگر ازمناطق مختلف ونژادهای گوناگون و مذاهب متعدددرچارچوب اصول پذیرفته شده‌ای اسلامی بوجودمی‌آید، وظایف سنگین ومتنوعی رابرعهده دارد که مادراینجا به‌پاره‌ای از آنها بدون درنظرداشتن ترتیب طبیعی آن اشاره می کنیم :

۱- احیای فرهنگ مشترک اسلامی ونافذنمودن آن در زندگانی‌فکری واخلاقی واجتماعی وسیاسی‌مسلمان ها به‌جای فرهنگ های وارداتی‌غرب وشرق .

۲- مبارزه باخطوط استعماری واستثماری قدرت های کافروملحد

۳- متصل نمودن دانشگاه و کارخانه‌را به مسجدوخانقا وحسینیه ویابعبارت دیگرازبین بردن‌دیوار خیالی بین دنیا وآخرت وکشانیدن پل صراط وتوسعه‌ترازوی میزان رابه کره‌زمین وتلفیق روحانیت ومعنویت راباصنعت وزراعت و سیاست وادغام عالم‌ماده‌در جهان وسیع معنی براساس تعالیم‌ارزش‌مندان‌اسلامی .

این بندهرچنداز مصادیق بند اول است‌ولی اهمیت شایان‌آن به ملاحظه‌تاریخ اسلامی واضح و روشن می باشد.

۴- ارائه طرح جامع و مفید اقتصادی کشوری وبین المللی اسلامی .

۵- تلاش برای بلندبردن سطح علمی مسلمانان وتعالیم‌رشته‌های علوم تجربی وجذب هرچه بیشتر جوانان به دانشگاهها ومراکز آموزشی وعلمی بمنظور با رونق ساختن صنعت وزراعت و شکوفایی اقتصاد .

۶- مبارزه باخرافات‌به نام دین ویابنام تمدن .

۷- تجدیدنظر کلی در برنامه درسی حوزه های علوم‌دینی .

۸- کاهش ازاختلافات احمقانه مذهبی بوسیله سیمینارهائیکه‌از جانب دانشمندان مورد اعتماد مذهبی دایر می گرددوبوسیله‌کتاب ها وسخنرانی هاونمایشها وغیره وسوق دادن مسلمانها بسوی اتحاد ومحبت وهمکاری .

درمیان تمام اختلافات مذهبی تصوف ، عرفان ،وهابیت و...

اختلاف شیعه وسنی ازهمه بیشتر درسونوشت جامعه اسلامی‌اثر می‌گذاردکه مستحق بذل توجه زیاد

نظامی گذاشته شده ودرسراسرشهر پخش ونصب گردید . مناطق که این اعلامیه ها پخش ونصب گردیده است عبارتنداز :

درمساجدسرکاریزقلعه شاده ، مسجد وحدت پل جمهوری ،مسجداباذر غفاری واقع پل سوخته ،مسجدقلعه‌ـ علیمردان ، مسجدایستگاه داشهای حاجی غلامحسین ، مسجداتحاددشت‌ـ برچی ، مسجدسنائی ده قابل، تکیه خانه عمومی چنداول ،مسجدصادقی درچنداول ، مسجدپل خشتی، مسجد حاجی محمدداوودواقع در تایمنی وات ، مسجدحاجی میراحمدواقع حصه دوم کارته پروان ،مسجدغزنیچی ها مسجدعمومی جمال مینه ودر مناطق مانندحصص الف ، ب ،ج خوشحال مینه ازقلعه واحدالی دوراهی پغمان ، فاضل بیگ ، نیازبیگ ،قلعه جرنیل قلعه جواد ، افشارسیلو ، ده نوده‌ـ بوری و ....

۸ـ ساعت ۲،۲۹ بعدازظهر به مناسبت آغازسال ۱۳۶۵ که توسط این پایگاه ،سال ۶۵ سال نظم و انضباط نامگذاری شده ونیز به مناسبت تقبیح شرارت های رژیم وتلاش مذبوحانه دست نشاندگان روس وبه منظور نفرت وانزجار ازجرگه به اصطلاح اقوام وقبایل آزاد سرحدی درکابل وبخاطرتنفرازکانفرانس با صطلاح خلق های آسیا و آفریقا درکابل وبا فرارسیدن روزننگین ۷ ثور وجشنواره مزدوران روسی بار دیگربرادران مجاهد ما درچنین شرایط حساس ، قدرت رزمی شان را به کاخ نشینان کرملین باانفجار بمب بزرگی موتری در مقابل دروازه ی جنوب غربی قصر ریاست جمهوری درجوار هوتل کابل که محل عیش ونوش جنایت وفحشاء و محل تجمع اجلاس وکنفرانس های اعضاء بلندپایه دولتی ومحل بودو باش دیپلمات های کشورهای هم پیمان شوروی ومشاوران نظامی شوروی است به نمایش گذاشتند .

ونیززمان این بمب گذاری طوری عیار شده بودکه اعضائی بلندپایه وزارت داخله رژیم به شمول گلابزوی دربین هوتل حضورداشتند ، انفجار هوتل کابل بقدری مهیب و دشمن براندازبودکه بعدازمنفجرشدن این بمب ، رژیم دست وپاچه شده وطیارات هلیکوپتربصورت فوری درفضای شهر به پرواز درآمدندکه بعدازسپری شدن پنج دقیقه ،سرکها (خیابان) مسدودگردیده وصدای رفت وآمد امبولانس ها دربین شهرطنین افگن شده بود .

تلفات ناشی ازین انفجاررا میتوان درچندبخش دسته بندی نمود :

الف : تلفات وضایعات انسانی

طبق اطلاعات موثق به اثر انفجار این بمب مجموعا (۱۶) تن راهی جهنم گردید که سه تن آن از مشاورین روسی و یکی از این سه تن تبعهٔ بلغاریائی بوده است، چهار تن دیگر از خودفروختگان قبائل آزاد سرحدی که به خاطر اجلاس متذکره اش در کابل احضار شده بودند و نه تن دیگر آن از جمله پرچمیان و خلقیان ملحد و مزدور بودند، سی و هشت (۳۸) تن دیگر شدیداً مجروح شدند که قرار راپور واصله حال پنج تن از این (۳۸) خودفروختگان خیلی وخیم است، متاسفانه چند دقیقه قبل از انفجار گلاب زوی با موترش از هوتل خارج گردیده بود ورنه وی نیز به سزای عملش میرسید.

ب: تلفات مالی: این انفجار تلفات و خسارات زیادی را به دولت مزدور تحمیل کرد که تفصیل آن چنین است: به تعداد هشت موتر جیپ و الگا و تویوتای مودل جدید دولتی بکلی منهدم و غیرقابل استفاده گردید چهار موتر دیگر نیز خسارت های شدید برداشت، یک قسمت سقف منزل دوم هوتل کابل بزمین ریخت، سمت چپ دروازهٔ هوتل کابل آسیب شدید متحمل گردیده که درز بزرگ در دیوار آن واضحا به نظر میرسد، شیشه های کلکین های د افغانستان بانک نیز بکلی فروریخته است و دو موتر جیپ که پیش روی دروازهٔ د افغانستان بانک پارک شده بود نیز آسیب دید، مدیریت خاد نظامی که در جوار د افغانستان بانک در تعمیر کتابخانه د افغانستان بانک قرار دارد نیز خساره مند شده است وشیشه های آن نیز بکلی درهم پاشیده شده و شیشه های تعمیر مرکز مخابرات و بی سیم بین المللی در تماس با دیوار هوتل کابل و نیز شیشه های وزارت عدلیه در چهارراهی پشتونستان و شیشه های تعمیر وزارت مالیه و رستورانت خیبر که محل فحشا و منکرات رژیم است بکلی بزمین ریخت و رشته های مخابرات قطع و ارتباط تیلفونی و بی سیمی با ولایات و خارج فلج شد، فروشگاه بزرگ افغان که در جوار جنوب غرب هوتل کابل موقعیت دارد نیز متحمل خسارات فراوان مالی گردید، قدرت انفجاری این بمب بحدی بزرگ بود که شیشه های تعمیر جدید البناء (۱۸) منزلهٔ مخابرات واقع در پل باغ عمومی نیز بزمین ریخت،

ج: ضربهٔ سیاسی: رهروان راه حسین (ع) و پیروان مکتب قرآن با منفجر نمودن بمب در چنین نقطه حساس و استراتژیک پایتخت ضربهٔ فراموش ناشدنی بدشمن وارد کردند

دژخیمان روسی ونوکران داخلی آن می پنداشتندکه با وحشت ودهشت وحس های طویل المدت مبارزین با اعدامها وفعالیتهای اطلاعاتی اش میتوانندکه جلوفعالیت مجاهدین را درشهرگرفته ومجاهدین را بکلی نابودنمایند، اما غافل ازاینکه بهرانداز ه ایکه فشار و اختناق ،بازداشت های بی مورد شکنجه ها ،اعدامها وزنده بگورکردن ها و... ازطرف متجاوزین روسی ورژیم دست نشانده آن تشدیدیابد بهمان اندازه خشم ملت قهرمان ما دراقدامات انقلابی فرزندان مجاهدوقهرمان شان منعکس خواهد شد.

قندهار:

بنا به گزارشات رسیده از ولایت قندهار، به اثراصابت موشک های زمین به زمین ،مجاهدین به فرودگاه این شهر ،برعلاوه خسارات زیاد به بانند فرودگاه مذکور ، چهار فروند هواپیمای میگ روسی و دو هلیکوپترتوپدار روسها به آتش کشیده شده وبیست وچهارنفراز سربازان مستقر درفرودگاه نیزبه هلاکت رسیدند .

۲ـ ونیزطبق گزارش دیگری مجاهدین مسلمان با زیرآتش گرفتن فرقه عسکری شهر قندهار، انبار مهمات این فرقه را به آتش کشیدند که ساعت ها صدای انفجار آن به گوش می رسید.



۳ـ مجاهدین قندهار طی اعلامیه های به کارمندان دولت مزدور اعلام داشتند که از کارکردن در دوایر دولت خودداری نمایند که این اعلامیه ازبازتاب گسترده ای برخوردار بوده ودوایر را به حالت تعطیل در آورده است .

۴ـ بتاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۹بین دو نفر از افرادخاد، درشهرقندهار درگیری صورت می گیردکه طرفین همدیگر را به رگبار مسلسل می بندند وهردوشدیداً زخمی می شوند واین واقعه درنزدیکی مغازه یکنفر از مجاهدین بوقوع می پیونددواین مجاهد وقتی قضیه را ازنزدیک می بیند با استفاده ازفرصت اسلحه

یک تن از مزدوران را گرفته و هر دو را به هلاکت می رساند و بعد از آن اسلحه های طرفین را به غنیمت می گیرد .

بتاریخ ۲ ثور که قطار مواد نفتی و مهمات و تدارکات روسها که از طرف قریهٔ سنځری بجانب شهر در تردد بود ، یک عراده تانک زرهپوش و یکعراده تانکر مواد نفتی با ثر آتش مجاهدین طعمهٔ حریق و با سرنشینان شان نابود شد

هکذا بتاریخ مذکور در قسمت قریهٔ کوهکران نیز یکعراده زرهدار با ثر فیر راکت منهدم و عمله آن به جهنم واصل شدند و همچنان یکعراده ماشین که دستگاه مخابره در آن نصب بود در حصهٔ پنجاب به سبب وحشت که از طرف مجاهدین احساس میکرد چپه و منهدم گردید .

بتاریخ ۵ ثور مجاهدین سربکف قرای محله جات توسط سلاح دست داشته میدان هوائی قندهار را هدف قرار دادند که نتیجتا (۱۵) تن از افسران عالی رتبه روسی و مزدوران داخلی آن به هلاکت رسیدند روسها جهت تلافی بوسیلهٔ توپ های دی ، سی ، وچلچله (کاتیوشا) مواضع مجاهدین را تحت آتش قرار داده بودند که با امدادهای غیبی و الهی به هدف اصابت نکرد .

بتاریخ ۶ ثور به اثر فیرهاوان

مجاهدین حرکت اسلامی ، چندتن از صاحب منصبان و چندنفر سربازان کشته و مجروح شدند که در جمله هلاک شده گان یکنفر به اسم "خطاب" که آمر سیاسی غند بود نیز شامل میباشد

وهکذا بتاریخ مذکور مجاهدین قریه مناره ارغنداب ، دشت کوکان طلا را هدف قرار دادند که سه عراده توپ دوربرد روسها را که بلاوقفه محله جات را تحت آتش قرار میداد منهدم و چند نفر عملهٔ آن را نیز بهلاکت رسیدند

بتاریخ ۹ ثور قطار روسها که از منطقه سنځری بطرف میدان هوائی درحرکت بود ، درنزدیکی باغ حاجی نظرجان یک عراده تانکر مواد نفتی از طرف مجاهدین هدف قرار میگیرد که به اثر آن راننده مذکور هلاک و حمل ونقل قطار ایشان سه یوم متوقف و در جریان سه یوم روسها قریه جات محله جات و غیره را زیر آتش موشک قرار دادند که در نتیجه یک تن از مجاهدین بشهادت میرسد

بتاریخ ۱۳ ثور پرسونل مسلمان پوسته مکتب وند با برادران مجاهد با سلاح و مهمات و غیره تجهیزات خویش یکجا شده ، درهمین فرصت مخابره بین پوسته دند و ماموریت ځارندوی شهرنو قطع میگردد .

دراین موقع ماموران منیتی شهرنو بنام "فضل ربی" به سورای یکعراده تانک زرهدار عازم پوسته دند میگردد و تانک متذکره با سرنشینان نش توسط

فیرراکت مجاهدین به‌آتش کشیده می شودودرین فرصت عده‌ء ازمسلمانان که‌به‌زوربه‌سربازی برده‌شده‌بودندودرخارندوی وظیفه داشتند ،به‌مجاهدین ملحق میشوند

بتاریخ ۱۴ ثور مجاهدین تعمیرولایت را هدف قرار میدهند که‌چندخلقی درداخل ولایت به هلاکت میرسند .

بتاریخ۱۸ ثورگروپ چریکی حرکت اسلامی بداخل بازارتوپخانه مقابل باری ها دونفرخادیست را به‌جهنم‌فرستاده ،یک میل کلاشینکوف ویک میل تفنگچه‌مکاروف آنان را به غنیمت می گیرند ،درین درگیری بوسیله‌ء اصابت مرمی های دشمن یک زن مسلمان به‌شهادت می رسد

بتاریخ ۲۰ ثوریکعراده‌موتر جیپ خاددرحصه‌پشتون باغ که‌عازم محبس بودبه‌اثرفیرراکت باسرنشینانش به‌آتش کشیده‌می شود وهکذا یکنفرعسکرروسی که‌مقابل مکتب دندبالای بامجهت تامین امنیت سرک موءظف بودموردهدف فیرمجاهدین قرارمی گیرد ،چندنفر روسهای دیگرکه‌بالای سرک جهت تاءمین امنیت ایستاده‌بودند غرض انتقال جسدسربازمقلوک روسی می روند ،که‌به‌اثرمین های کارگذاشته‌شده‌ازسوی خودروسها ،دوتن ازآنان به‌هلاکت می رسند .

بتاریخ ۲۲ ثوردوتن ازصاحب منصبان داخلی دربازارچاونی هدف رزمندگان حرکت اسلامی قرار می گیرندکه‌یکنفرآن هلاک ونفر دیگرمجروح می شود .

بتاریخ ۲۳ ثورمجاهدین سریکف داخل شهرکندک کوهی ومقام ولایت را هدف قرارمیدهند ،تلفات جانی ومالی این عملیات تاهنوزگزارش نشده‌است .



بتاریخ۲۷ ثوریک فروندطیاره میگ (۱۷)که‌درفضای شهرقندهار وتوابع آن پروازشناسائی انجام میداد ،خوشبختانه‌پایگاه‌عساکر روسی ومزدوران داخلی آنهارا در"بابا ولی صاحب"زیرآتش قرارداد که‌به‌اثرآن هشت سربازبه هلاکت رسیده‌و (۱۴)نفردیگرزخمی گردیدند .

بتاریخ ۲۹ ثور مجاهدین سربکف لیسهٔ دارالمعلمین را با پایگاه روسها زیر آتش قرار میدهندکه تلفات آن معلوم نشده است ومجا ـ هدین بدون کدام تلفات به پایگاه خویش عودت مینمایند .

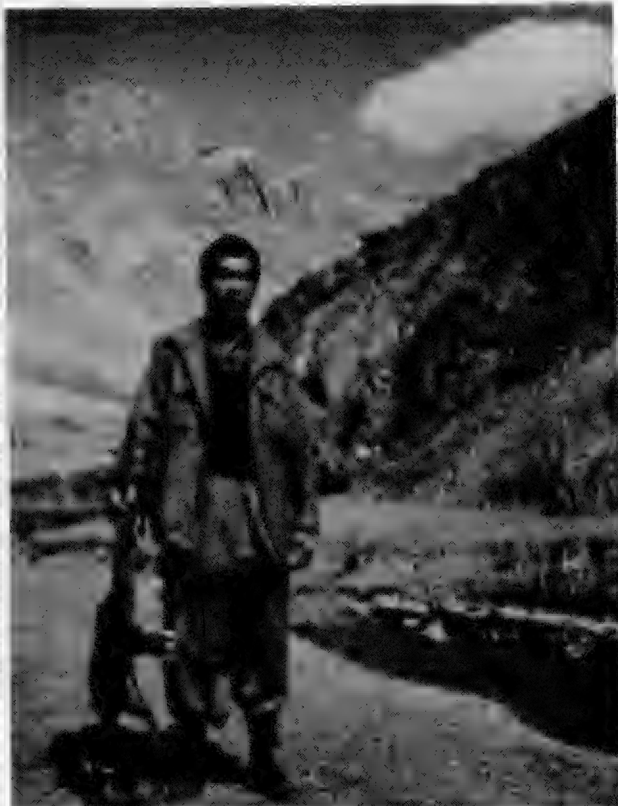
بامیان:

دراوایل سال جاری مجاهدین قهرمان بامیان ،طی یک عملیات سلحشورانه که بالای پوسته خاد به عمل آوردند، موفق شدند ۱۲۰ نفر از مزدوران روسی را به هلاکت رسانده وچهار سنگر تیربار دشمن را بکلی به آتش کشیده ونفرات آن هارا نیزبه جهنم واصل نمودند .

قابل ذکراست درین عملیات آمرخاد به شدت مجروح ویک نفراز برادران ما به اسم "سعادت" از مجاهدین پایگاه "۳۵ المهدی" به درجه‌ی رفیعه‌ی شهادت نایل گردید.

ونیزبتاریخ ۱۳حمل سال ۶۵ برادران مجاهد پایگاه "۳۵المهدی" بامیان با کمین دولت مزدورمواجه شدند، مجاهدین درین درگیری با روسها ونوکران او به جنگ تن بتن وسرنیزه پرداختندکه در نتیجه ۴ نفراز مزدوران را به هلاکت رساندند ودونفرازبهترین فرزندان اسلام وازمجاهدین آن پایگاه به نام های بشریار فرزند محمد اسلم ازاعضای شرطة الخمیس ومیرزاده به اثر اصابت برچه روسها به چشم شان ، به شرف شهادت نایل گردیدند

درپایان این گزارش آمده است که بتاریخ ۱۶ حمل سال جاری پایگاه "حمزه سیدالشهدا" مستقر در بامیان بوسیله هشت فروند هواپیمای میگ روسی به مدت چهار ساعت بمباران شد که منجر به خسارات مالی زیادی گردید .



بنا به گزارش که از مجاهدین حرکت اسلامی مستقردربامیان به دفتر مرکزی رسیده است ،بمناسبت سالروز ننگین هفتم ثورکلیه مجا ـ هدین مستقردربامیان طی یک عملیات دستجمعی بالای شهربامیان موفق شدندحدود (۴۰)تن ازصاحب منصبان وسربازان روسی وافغانی رابدرک واصل نمایند ،قابل ذکر

است که طیارات بمب افگن روسی به منظور جلوگیری از گسترش عملیات مجاهدین وپیشروی شان بطرف مرکز شهربامیان مواضع مجاهدین را شدیدا موردبمبارا ن قرار دادند که بحمدالله به مجاهدین آسیبی وارد نگردیدوبه اثروسعت بمبارا ن یک صاحب منصب افغانی با چندتن از فریب خوردگان رژیم مزدوربه هلاکت رسیدند .

هرات،

قرار گزارش واصله از پایگاه جهادیک حرکت اسلامی در منطقه جبرئیل هرات .

۱- بتاریخ ۱۳۶۵/۳/۳ شیر مردان حرکت اسلامی پیروان مکتب خونین حسین ابن علی(ع) دریک عملیات قهرمانانه بالای پسته های شهزاده ها ودروازه ملک موفق شدندچندین سنگردفاعی دشمن را تخریب وچندتن از ملحدان روسی ومزدوران داخلی آن راروانه جهنم نما یندوبرادران به پایگاه سالم برگشتند .

۲- درتاریخ ۶۵/۳/۵ قوای متجاوزروسی وکمونیستهای داخلی آن از طرف پایگاه ن فخرالمدارس قصدتها جم به پایگاه را داشتندکه برادران قهرمان حرکت اسلامی سرراه آنان کمین نمودندکه در نتیجه متحمل تلفات وخسارات زیاد گردیده ،مجبوربه عقب نشینی گردیدندواز جمله یک نفرکشته وپنج نفر زخمی به جای گذاشتند .

۳- درتاریخ ۶۵/۳/۸ دولت مارکسیستی که قصدبازرسی خانه های مردم بیدفاع منطقه شهزاده ها را داشتنددراثرفیرراکت ومسلسل برادران ما مجبوربه ترک منطقه شدندودر درنتیجه دوصاحب منصب وسه سرباز کشته شدند .

۴- درتاریخ ۶۵/۳/۱۰ یکنفر خادیست که از کابل بحیث هیئت آمده بوددرشب دوم اقامتش درهرات بدست برادران شجاع حرکت اسلامی بهلاکت رسیدند .



۵- درشب ۶۵/۳/۳ درمنطقه پای منار برادران جهادگرحرکت اسلامی در جنگ با مزدوران روسی یک نفرآنان را به هلاکت رسانیدند .

بتاریخ ۶۵/۳/۲۴ دریک حملهٔ مبارزان وجانبرکفان راه قرآن جهادگران حرکت اسلامی افغانستان بالای پستهٔ دولتی توانستند با فیرراکت یک سنگردفاعی دشمن را با یک ماشیندار منهدم ودو

نفرا زملحدین را بجهنم واصل نمابند

۶ـ بتاریخ ۶۵/۳/۲۶ طی یک حملهٔ عمومی متشکل ازجانبرکفان حرکت اسلامی ومجاهدین منطقه، چندین پستهٔ دولتی منهدم وتعدادزیادی ازخودفروختگان به هلاکت رسیده برادران مجاهد کنترول کماندوی دولتی رادردست گرفتند، دراین عملیات چندتن ازبرادران مجروح گردیدندکه ازجمله یکتن ازبرادران مجاهدحرکت اسلامی، برادرمحمدابراهیم فرزند محمدحسین باسم مستعار "شیردل" شهیدگردید، روحش شادوراهش پر رهرو باد.



برادران دراین عملیات قهرمانانه مناطق ذیل راازتصرف قوای دولتی آزادنمودند:

۱ـ منطقهٔ خواجه عبدل مصری

۲ـ منطقهٔ کوچه چهارشنبه بازار

۳ـ منطقهٔ خرقهٔ مبارکه، ۴ـ منطقه دروازهٔ ملک وهمچنین پسته دولتی سلطان فاریابی

دولت مزدوروارتش شکست خوردهٔ روس ملحدکه درجنگ زمینی بابرادران مجاهدوسربازان اسلام عاجزوتاب مقاومت ندارند، توسط میگ های بمافگن منطقه رابمباران نمودندکه متاسفانه دوتن ازبرادران بدرجهٔ رفیعهٔ شهادت نایل آمدند.

نیمروز:

بتاریخ ۶۵/۳/۴، مین کارگذاشته شده ازطرف جانبرکفان اسلام در منطقه شمال پسته های دولتی، در مسیرراه ولسوالی کنگ منفجر گردیدودراثرآن یک عراده ماشین کرازبکلی ازبین رفت واز جمله ۱۲ نفرسرنشین آن، ۶ نفربه هلاکت رسیده و ۶ نفردیگر زخمی گردیدند.

بتاریخ ۱۳۶۵/۳/۱۰ در اثر عملیات چریکی توسط جانبرکفان اسلام بالای پسته حاجی جان در یک کیلومتری ولسوالی کنگ پنج نفر ازمزدوران بهلاکت رسیده وسه نفر دیگر زخمی گردیدندوپسته مذکور در اثر ۱۲ فیرآر، پی، جی بکلی منهدم گردیده است.

جاجی: بتاریخ ۶۵/۱/۶ عملیات توسط بی‌ام ۱۲ بالای چونی جاجی صورت گرفت که درنتیجه چندین تن از ملحدین به‌جهنم واصل و چند سنگرانفرادی ودسته‌جمعی آنها تخریب گردید، درین عملیات ۱۲ فیرمرمی بی ام ۱۲پرتاب گردید.

بتاریخ ۱۳۶۵/۱/۱۲ عملیات شبانه‌بی ام ۱۲ صورت گرفت که در اثرآن یک مشاور بلندپایه روسی ویک سربازآنها به‌جهنم‌واصل شده ویک جیب مخابره‌که درآن دستگاه (آر ۱۰۴) نصب بوده‌نیزاز بین رفت درین عمل ۲۰ فیرمرمی بی‌ام ۱۲ پرتاب گردید .

بتاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۷شش فروند هلیکوپتر توپدار روسی که می‌خواستند چونی را اکمال کنند‌در اثر انداخت‌های مداوم‌بی ام ۱۲ متواری شده وموفق بنشستن نشدند



بتاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۸ عده‌ی از مجاهدین اسلام که درمسیر "سره‌غندی" در ترددبودند، با کمین روسها مواجه می شوند،که به‌مدت شش ساعت جنگ شدیدی بین طرفین بوقوع می پیوندد،درین درگیری مجاهدین مسلمان موفق می شوند، دوعراده تانک روسها را به آتش بکشند، ویک سنگر گرینوف روسها رانیزبا جمعی ازخودفروختگان داخلی وعساکر متجاوز روسی‌کاملا ازبین ببرند،درگزارش‌آمده است

بتاریخ۱۳۶۵/۲/۱۲چهارفروند هلیکوپتر که‌برای اکمال چونی تلاش می کردند،به‌اثرفیربی‌ام ۱۲ موفق نشده ، فرارکردند در این عملیات ۱۲ فیرمرمی(بی ام ۱۲) انداخت گردید .

بتاریخ۱۳۶۵/۲/۴ چندفروند میگ دشمن ،پایگاه مجاهدین را بمباران نمودکه آسیبی به برادران ما نرسیده توسط آتش مداوم برادران مجبور به فرار گردید .

بتاریخ ۱۳۶۵/۲/۳ برادران قرارگاه‌خاتم‌الانبیاء ،بالای چونی عملیات تعرضی نموده‌وچونی رازیر آتش‌بی ام ۱۲ قرارداده‌بودند‌در این عملیات چندتن ازوطنفروشان نابود ویک عراده ذره‌پوش آنها به آتش‌کشیده شد.

بتاریخ ۱۳۶۵/۲/۴ چندفروند هلیکوپتر که می خواست چونی را اکمال کنند درزمان نشستن یک فروند آنها به‌اثراصابت بی ام۱۲ به آتش‌کشیده شده‌وسرنگون‌گردید

وتمام سرنیشینان ومحمولات نظامی آن ازبین رفته ،دراین عملیات به تعداد یکصدفیرمرمی (بی ام ۱۲) پرتاب گردید وضمن سقوط هلیکوپتر چندین موضع آنها کاملا تخریب گردید.

بتاریخ ۱۰ ثور سال جاری قوای متجاوز روسی برای شکستاندن محاصره چونی واقع درجاجی ولایت پکتیا باتمام امکانات وتجهیزات حمله ورگردیدند وتمام سنگرها و مواضع مجاهدین را زیرشدیدترین بمباران هوائی قرار دادند که گاهی تعداد میگهای شرکت کننده درین عملیات به چهل فروند میرسید که به تعقیب بمباران شدید چند روزه نیروهای زمینی خودرا توسط هلیکوپتر درنقطه های استراتژیک وحاکم استقرار دادند واز هوا وزمین با سلاح های مختلف النوع سنگرهای مجاهدین را زیرآتش گرفته بودند که دراثر مقاومت حماسه آفرینان اسلام ،قوای ملحد شکست خورده و مجبور به عقب نشینی شدند .

تلفات وارده برقوای مهاجم روسی درین عملیات چنین گزارش شده است

۱- سرنگون شدن سه فروند میگ ۲۷ روسی توسط رزمندگان اسلام

۲- انهدام دوفروند هلیکوپتر توپدار جنگی ،هنگام فرود درمیدان هوائی چونی توسط توپهای برادران قرارگاه خاتم الانبیاء (ص).

۳- انهدام (۶۲) دستگاه تانک وتعداد زیاد عراده جات نفربر روسی به اثر مینهای کارگزاری شده برادران مجاهد حرکت اسلامی

۴- کشته ومجروح شدن بیش از (۳۰۰) نفر از عساکر متجاوز روسی و نوکران داخلی آنان .

۵- ازبین رفتن مواضع وسنگر های دشمن با تمام امکانات ومهمات آن .

قابل یادآوری است که :درین جنگ قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) نسبت ،اهمیت خاص نظامی که داشت بیشترتحت بمباران هوائی وآتش سلاحهای سنگین ودوربرد زمینی قرار داشت ،که پاسخ این حملات متقابلا توسط آتش موءثر رزمندگان ما بصورت متواتر داده می شد .

روسهای متجاوز وقتی مجبور به شکست گردیدند ،برای تلافی حملات مجاهدین اقدام به بکارگیری گاز های سمی وخواب آور وبیهوش کننده نمودند ،که کفرستیزان اسلام عقب نشینی تاکتیکی کرده وساحه نظامی را مین گزاری کردند ،زمانیکه قوای متجاوز داخل ساحه می شوند دراثر اصابت با مین های کارگزاری شده مجاهدین ،تلفات زیادی را متحمل شده وبه تلافی این عمل منطقه را دوباره مین گزاری میکنند که بعد از عقب نشینی روسها برادران

تری می باشد وتجربه تاریخی هم نشان داده است که این زخم میکروب زا ست ،میکروب هائی که سلامت پیکر جهان اسلام را مورد تهدید قرار می دهد. (۱)

۹- توجه جدی برسانیدن افرادی که شایستگی حکومت اسلامی را در کشورخودداشته باشند (کدرسازی)

۱۰- مبارزه بی امان وخستگی ناپذیربا دولت های مسلط برکشور های اسلامی که خمیرمایه و عامل تمام بدبختی ها وسیاروزی مسلمانان جهان می باشند، بلی براندازی نظام های طاغوتی وغیر اسلامی درکشورهای اسلامی واقامه حکومت های اسلامی توسط عناصر صالح وجامع الشرایط کلید تمام آرزوهای مقدس مسلمانان وراه گشاه سعادت دنیا وآخرت است.

۱۱- توحیددولت های اسلامی در یک ترکیب مناسب با مقتضیات عصر به منظور بوجودآوردن یک قدرت بزرگ بین المللی که مسلما زمینه های اصولی آن به مراتب بیشتراززمینه های اتحاد ایالات متحده آمریکا و جمهوری های باصطلاح اتحادشوروی می باشد براساس انترناسیونالیسم اسلامی.

شاید محتاج به بیان نباشد که تا این مرزها وسرحدات لعنتی ملت های مسلمان را از همدیگر دور نگهدارد ،نه تنها عظمت اسلام قابل اعاده نیست که مشکلات اصولی مسلمانان نیزبطور ریشه ای حل شدنی نخواهد بود.(۲)

بهرحال ماکه معتقدبه جهان

---

(۱) بطور نمونه رادیوی منافق بی‌بی‌سی ،درین یکسال مرتب و مکرر درموقع بیان جنگ های سازمان امل لبنان وسازمان آزادی بخش فلسطین نام شیعه را می آوردومی خواهداین جنگ ها را به جنگ های شیعه وسنی معرفی کند.

(۲) امروز جهان اسلام به مشکلات گوناگونی گرفتاراست که اهم آن اشغال فلسطین توسط غربی ها وصهیونیزم واشغال افغانستان توسط کمونیزم ملحد روس می باشدولی مبارزان مسلمان هردومنطقه باید مشکلات خودرا دربافت وسیع بین المللی اسلامی موردبررسی قراردهند مثلا فلسطینی ها نباید فریب نیرنگ روسها را بخورندوبا آنان تسلیم شوندویا با آنها اعتماد کنندکه بدبخت می شوند، جهادگران افغانی نباید به ظاهرخوش خط وخال وملایم غرب جائی مغرور شوندکه ناکام می مانند. ولاترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار.

مجاهدوا ردمنطقه می شوندوشروع به خنثی سازی مین ها میکنند، که درجریان خنثی نمودن مین ها تعدادی ازمین ها که بشکل تله ای بودمنفجر میگردد، که منجر به شهادت پنج تن ازبهترین فرزندان صدیق وراستین اسلام وجراحت حدود (۱۰)- تن می شود.

درهنگام انتقال شهدا ازمیادین مین، یکتن ازبرادران مجاهدنیزدرجمع شهدای اسلام می پیونددوپیکرپاک شش تن از شهدای عزیزما درقرارگاه ورزمگاه شان به خاک سپرده شدند.

بقیه ازصفحه (۱۳)

جانب دشمن به حساب می آیدوباید آن را به فال نیک بگیریم وما هیچ شکی نداریم که به خروج روسها پایه رژیم روسی سخت با خطراب وتزلزل می افتد، وتا حدودی زیادی بسقوط نهایی نزدیک می شود.

بنا براین وظیفه ما دراین مرحله حساس اینست که ازنظرفکری مردم مسلمان راازخطرگمراه شدن به اثر تبلیغات دشمن برحاشیم ودرمرحله عمل تمام نیروهای خودرا جمع و- جورنموده، با اراده ی جدی برسردشمن زبون بتازیم، تاکارراهرچه زودتر یکسره نمائیم. دراین مرحله مابیش- ترین نیازرا به اتحادوهماهنگی و انسجام وتشدیدعملیات نظامی و فعالیت های فرهنگی داریم.

بقیه ازصفحه (۶۷)

پیروزبوده اند، که این یکی از افتخارات حرکت اسلامی میباشد

۳- نامه های که ازبرادران قهرمان وایثارگران اسلام از زندان می آید، ازصبرواستقامت خودها دربرابرهرنوع شکنجه وبیداد گری یاد آورمی شوندوهمچنین حکا- یت ازبرگزاری برنامه های ورزشی وتدریسی درزندان دارد. ودرهر- مکتوب شان سلام زیاد به رهبرحرکت اسلامی تقدیم می دارند.

۴- جنگ ها واختلافات داخلی بعد ازآمدن هیأت، فعلاخاموش میباشد اما دربعضی نقاط ودربعضی موارد هستندکسانیکه قصدتخلف ازمصوبات فیصله شده ای هیئات را دارند، که اگردرسال جدیدهیئتی درجهت تحکیم فیصله های قبلی به داخل نرسند ممکن است ازسوی کسانی آتش بس نقض گردد. با عیدپیروزی رز- مندگان اسلام برا شغالگران روسی.



شمولی دین اسلام (عرضا وطولا) به عنوان یکی ازمسایل ضروری و بدیهی قرآن می باشیم (ان الدین عندالله الاسلام - ومن یبتغ غیر- الاسلام دینا فلن یقبل منه - نذیر- للبشر) بلکه آن را قانون اسلامی همه موجودات عاقل درتمام کهکشان ها می دانیم (وما ارسلناک الارحمة للعالمین) .

ما که معتقدبوحدت و انسجام حرکت اسلامی درسطح بین المللی بر اساس (تعاونوا علی البروالتقوی و لاتعاونوا علی الاثم والعدوان) - هستیم .(۱)

ما که درگروه گرائی ها ونژاد - پرستی ها وقومیت ها ومنطقه بازی ها ضعف وشکست خودرا عقلا و شرعا پیش بینی میکنیم (ولاتنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم) .

ما که هویت خودرا درخط لاشرقی و لاغربی بدست می آوریم .

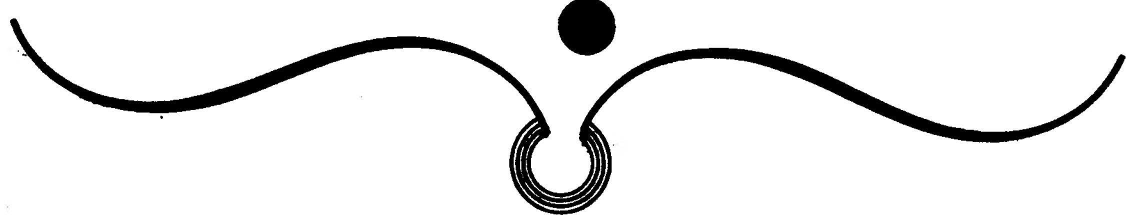
ما که وحدت رهبری ووحدت امت رااز ابتدای تاریخ خود به ارث گرفته ایم ،ووظیفه داریم (من)های کوچک را دردریای نا محدود (ما) به منظورعملی ساختن بهتراز اطاعت خدا واطاعت رسول واولی الامر بریزیم ،برای بوجود آوردن یک نهضت عمومی وحرکت اسلامی جهانی هیچ خلای رااحساس نمی کنیم وقل اعملوا فسیری الله عملکم ورسوله والمومنون .

آنچه که درپایان قابل تذکراست تعیین مرکزیت مکانی این نهضت عمومی اسلامی می باشد که اولا انعقاد آن درآنجا میسر باشد و ثانیا از رشدوتوسعه آن جلوگیری بعمل نیایدوثالثا ازنفوذدشمنان تاحد زیادی درامان باشد .

به نظرنگارنده درشرایط موجوده مناسب ترین جابرای این کارکشور ایران است وگمان نمی‌رود عناصر آگاه وفهمیده ومنصف دراین پیشنهاد اتهامی به نگارنده واردسازد بنا براین بر برادران مسلمان ایرانی ما - خصوصا علمای متعهد آنان - است که قبول زحمت نموده وباتمام مشکلاتی که امروزباآنها دست وپنجه نرم می کنندمقدمات این موضوع مهم وحیاتی اسلامی را باسعه ی صدر وبلندی نظر وعلوهمت آماده و تهیه نمایندکه ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون .



مناسبت‌ها



درگذشت روزگار وسیر طبیعی آن ودر توالی شب وروز گاهی اوقات پیش می آیدکه ازبرجسته‌گی خاصی برخوردار است .یا آن قدر شیرین ومقدس است که هرچند زمان برا و بگذردچیزی از بزرگی وخوبی اش کاسته نمی گردد ،بلکه یادآوری آن باعث سرور خاطرومایه‌ی امیدواری بیشتر می گردد .وچه بسا روزهای شوم ونحسی را نیزسراغداریم که هرگاه مستقلابه یادبیاید ویا قضیه‌ی دیگرازباب تداعی معانی باعث یادآوری آن گردد تلخی و مرارت وزشتی با تمام ابعادش نیزدر عالم ذهن حضور می یابد .

درقرآن که سخن ازایام الله به میان رفته وبه پیامبراسلام دستور داده شده که مومنان ومسلمانان رابه ایام الله تذکربده شاید مراد همان نوع اول باشدزیرا قرآن کتاب امیدورهایی است . و باید پیروان راستین خودرابه ایام الله یعنی روز ' رهایی وسرنوشت ـ سازونجات بخش راهنمون باشد .

درماهی که مجله از لحاظ زمانی به او مربوط است (گرچه که از بد روزگارتاکنون نتوانسته ایم درست درسرموعدمعین آن به خوانندگان ارجمند تحویل بدهیم) روزها ومناسبت های سرنوشت ساز و بسیار پرمعنویت وبزرگ راشاهد بودیم که به اجمال درذیل پیرامون هریک مطالبی تقدیم می شود :

۱ـ رمضان :

امسال اول جوزا مطابق بود با دوازدهم رمضان المبارک سال ۱۴۰۶ هجری قمری ،ماه مبارک رمضان دراسلام ازجایگاه ویژه‌ی برخوردار است ماهیست بسیارمقدس ودارای فضایل ومعنویات بیشمار .ماه خودسازی وماهی که درین ماه مسلمانان جهان به جنگ اهریمن نفس رفته ودرجهاد اکبربه مصاف آنچه هوای نفسانی وغرایز و خواسته های شهوانی است ،به سر می برند ماهیست که حتی خواب شخصی روزه ـ دار عبادت شمرده می شودو فصل بهارقرآن است . رمضان ماهیست

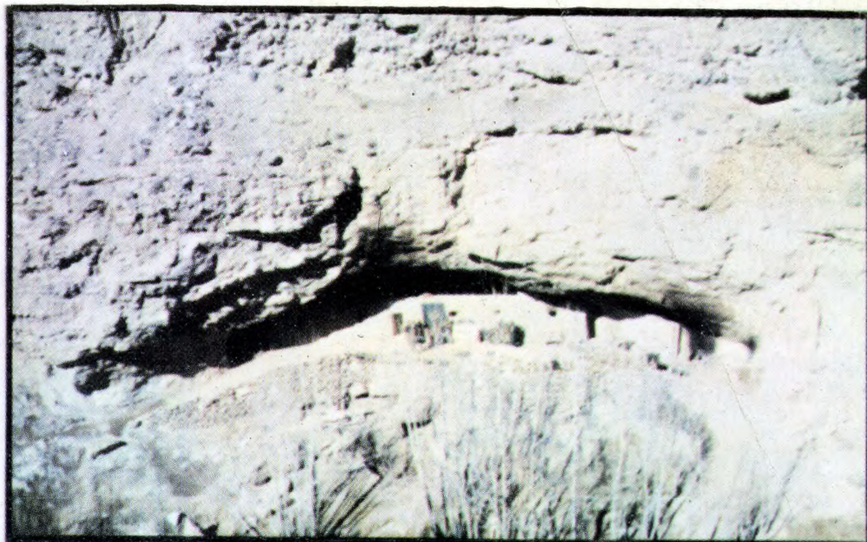


ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون

استقامت

ماهنامهٔ حرکت اسلامی افغانستان

۵۸-۵۹











آیا مسئله افغانستان مسئله
مسلمین نیست؟